



انترناسیونال

۲۹۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۴ فروردین ۱۳۸۸، ۳۰ آوریل ۲۰۰۹

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

برای خلع ید از برده داران به میدان بیاید! بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت اول ماه مه

روز جهانی کارگر در حالی فرا
میرسد که هیولای سرمایه و
بحرانش دنیا را به کام خود کشیده
است. به ما میگویند کمتر
مصرف کنید، کمربندها را سفت
کنید، زیاد شلوغ نکنید، فرصت
بدهید تا اقتصاد را راه بیندازیم.
گویی بحران و فقر و فلاکت و
بیکاری و بی حقوقی را کسی جز
بورژوازی و دولت هایش به ما

صفحه ۸



ستون اول

حمید تقوایی

اجلاس گروه ۲۰ خشم مردم و افق سوسیالیسم

دولتها و مردم جهان هر يك به شیوه خود به
استقبال اجلاس گروه بیست رفتند. مردم در
لندن و فرانکفورت و پاریس با اعتراضات و
تظاهرات خیابانی هزاران نفره علیه سیستم
سرمایه داری و دولتها با مذاکرات و چانه
زنی و قرار و مدارها پشت درهای بسته
برای نجات سیستم سرمایه داری بقیمت
تحمیل فقر و بیکاری بیشتر به کارگران و
توده مردم دنیا. مردم خشمگین اند. مردم
فریاد میزنند اجازه نمیدهیم بحران خود را
بقیمت خانه خرابی ما حل کنید. فریاد
میزنند "کاپیتالیسم و ناسیونالیسم هر دو
کشیفند". عکس مارکس را بالا میبرند و
اعلام میکنند "دنیا هنوز به مارکس برای
تغییر نیازمند است". و دولتها بر سر این
بحث میکنند که چطور با خطر "شورش
گرسنگان" مقابله کنند.

کاپیتالیسم در سراسر جهان به بن بست
رسیده است. نظام سرمایه از نظر اقتصادی،
سیاسی و ایدئولوژیکی ورشکسته شده است.
همه کار گزاران سرمایه، از دولتها و
کارشناسات اقتصادی و تا اساتید
دانشگاهها و مدیا و روشنفکرانی که همه تا
دیروز مدافع سینه چاک سرمایه داری بازار
آزاد بودند اعتراف میکنند راه حلی وجود
ندارد. بازخرد ها و کمکهای میلیارد دلاری
به بانکها و موسسات درحال ورشکستگی
نتیجه نداده است و کسی جواب دیگری
ندارد. اقتصاد دانان کارآئی کاپیتالیسم را

صفحه ۲

اول مه،

روز بزرگ قدرتمایی علیه جمهوری اسلامی

شهلا دانشفر

صفحه ۳



نشست گروه بیست در لندن: بن بست قدرتمداران



کنفرانس گروه بیست G20 هم
اکنون در لندن در جریان است.
شرکت کنندگان در این کنفرانس
بلند پایه ترین سران قدرتمندترین
و بزرگترین کشورهای سرمایه

کازم نیکخواه

صفحه ۴

شهر سرخ فرانکفورت

گزارش کوتاهی از تظاهرات علیه سرمایه داری در فرانکفورت آلمان

صفحه ۹



ما هنوز به مارکس

برای تغییر جهان نیاز داریم!

اجلاس افغانستان و "طالبان خوش خیم"

خط مرگ!

در حاشیه رویدادها محمد رضا پویا ص 14

علی نجاتی باید فوراً و بدون قید و شرط از
زندان آزاد شود

صفحه ۶

تکرار مفتضحانه طرح مهندی ایلخانیزاده

ص 6

محمد آسنگران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ستون اول

زیر سؤال میبرند و تغییرات بنیادی را ضروری میدانند اما کسی نمیداند مضمون و هدف این تغییر چیست. وال استریت و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را دایناسورهائی مینامند که دوره شان گذشته است اما کسی نمیداند چه دوره ای فرارسیده است. رسانه ها از خشم توده ای صحبت میکنند و مقامات برای حفظ صندلیهایشان با مردم خشمگین ابراز همدردی میکنند و در پرخاش به وال استریت و مدیران طمعکار کمپانیها از یکدیگر پیشی میگیرند، اما هیچ دولت و سیاستمداری خود را مسئول و هدف خشم مردم نمیداند. کسی از ضرورت تغییر دولتهای دیناسور، از سپری شدن دوره دموکراسی پارلمانی و از ورشکستگی سیاسی-اجتماعی کاپیتالیسم سخنی میان نمی آورد. متفکرین واقع بین تر سرمایه داری اعتراف میکنند که در مورد بحرانهای کاپیتالیسم شاید حق با مارکس بوده است، شاید مارکس اقتصادی حق داشته است، اما در مورد مارکس سیاسی سکوت میکنند. به مارکس اقتصاددان رضایت داده اند اما مارکس انقلابی همچنان یک تابو است. این البته طبیعی و کاملاً قابل انتظار است. از هیچ دولت و مقام و روشنفکر متخصصی در کمپ سرمایه، هر اندازه هم گیج و سر درگم و بی افق، نمیتوان و نباید انتظار نقد سیاسی نظم و دولت کاپیتالیستی، حتی به ملایم ترین شکل آنرا، داشت. اینها از اقتصادیات شروع میکنند و به اقتصادیات ختم میکنند اما برای مردم خشمگین راه حل در سیاست است. مردم در خیابانها اعلام کرده اند اجازه نمیدهیم بحران را از جیب ما حل کنید. اما این اعتراض - که خواست کاملاً برحق و رادیکالی را بیان میکنند - اگر به نقد سیاسی نظام و دولت سرمایه داری نرسد راه بجائی نمیبرد. پاسخ سرمایه داران - که از بوش و اوپاما تا سارکوزی و گوردون براون و تا اکونومیست و سی.ان.ان. و نیوزویک و بی.بی.سی. بر سر آن اتفاق نظر دارند - اینستکه "برای اینکه

مشکلات مردم حل شود باید دوباره چرخ سرمایه به راه بیافتد." و در نتیجه "کمک به سرمایه داران یعنی کمک به مردم!" کمکهای چند صد میلیاردری به بانکها و کمپانیها و شرکتهای بیمه و غیره با همین منطق توجیه میشود. منجمد کردن دستمزدها و زدن از مزایا و حقوق کارگران نیز همینطور. همیشه با همین استدلال "اگر حقوق بیشتر بخواهید کارخانه تعطیل میشود"

فروخوابانده میشود. کاری که دولت اوپاما با مهارت مشغول انجام آنست. کسی میتواند تن به این منطق ندهد که اعلام کند "سیستمی که برای تامین شغل باید از جیب کارگران به میلیاردهای سرمایه دار باج بدهد هیچ حقانیت و مشروعیتی ندارد و باید زیر و رو شود". کسی که سرمایه داری را نه تنها در حالت بحران بلکه در دوران رونقش نقد کند. کسی که اعلام کند "اقتصادی که پیش شرط رونقش خانه خرابی بیشتر مردم



کارگران را ساکت کرده اند و دوره رکود سرمایه دوره رونق این نوع توجیهات است. اتحادیه های کارگری و هر کسی که نخواهد خود را به سیاست بزند جز تسلیم شدن به این منطق چاره ای ندارد. اگر واقعیت وجود نظام و دولت سرمایه داری را بپذیرید "واقع بینی" به شما حکم میکنند در تلاش دولت برای برگردش انداختن چرخ سرمایه شریک بشوید و این نوع واقع بینی سنت دیرینه اتحادیه های کارگری کشورهای غربی بخصوص در شرایط بحرانی است.

برای کارگران و توده مردم خشمگین راه حل سیاسی است. محدود ماندن به حیطه اقتصاد و طرح شعارهای اعتراضی و مطالباتی اقتصادی تنها میتواند به فداکاری داوطلبانه کارگر، و توده مردم کارکن و حقوق بگیر، منجر شود. امروز مردم آمریکا نسبت به مزایای نجومی مدیران شرکت آ.آی.جی.، که میلیونها دلار از کمکهای دولتی را به عنوان مزایا به حسابهای شخصی خود واریز کرده اند، خشمگین اند اما اگر این خشم به یک اعتراض سیاسی ترجمه نشود با فرمول "ورشکستگی آ.آی.جی. یعنی بیکاری و فلاکت بیشتر"

که هفته پیش در ملاقات با گوردون براون، موبورها و چشم آبی ها را مسئول بحران جهانی دانست!، و یا چپ سنتی ضد امپریالیستی که در برابر آمریکا زیر عبای "اسلام رادیکال" پناه گرفته است، اینها هیچکدام ربطی به خشم مردم ندارد و آنرا نمایندگی نمیکند. اینها هیچیک به خواست

"don't bail them, jail them!" کمکشان نکنید، زندانشان کنید!" که کارگر آمریکائی در اعتراض به طرح دولتی کمک به بانکها فریاد کرد و اخطار "حل بحران از جیب کارگران ممنوع" تظاهرات کنندگان اروپائی به اجلاس گروه بیست، ربطی ندارد. تداوم و ترجمه این شعارها در عرصه سیاست نقد سوسیالیستی دولت است. پاسخ نقد و چالش سیاسی کل نظام سرمایه داری است.

تحولات سیاسی مهم و بیسابقه ای در شرف وقوع است. باید کل آرایش و نظم سیاسی جهان سرمایه را به چالش کشید و این حزب سیاسی میخواهد. این فراتر رفتن از اقتصاد و پا گذاشتن به عرصه نقد سیاسی میخواهد. تنها کمونیسم انسانی، کمونیسم بعد از دیوار برلین، کمونیسم منتقد سرمایه داری دولتی چین و شوروی و سرمایه داری بازار آزاد در دوره رونق شان، کمونیسم جهان متمدن در برابر تروریسم اسلامی و تروریسم دولتهای سرمایه داری غرب هر دو، تنها کمونیسم کارگری میتواند پاسخگوی این شرایط باشد. کمونیسمی که نه تنها اقتصاد سرمایه بلکه مذهب و ناسیونالیسم و سیاست و دولت سرمایه را نیز به باد نقد کوبیده بگیرد. منصور حکمت سالها قبل اعلام کرد "دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، و بدون "خطر سوسیالیسم" به چه منجلابی تبدیل خواهد شد". گند این منجلاب امروز دنیا را برداشته است اما "فراخوان سوسیالیسم" در قلب اروپا و آمریکا و جهان صنعتی همچنان به حزب خود نیازمند است.

این حزب در یک گوشه دیگر دنیا، در ایران حضور دارد و "امید به سوسیالیسم" از همینجا آغاز میشود. در ایران حزب

کمونیست کارگری یک عامل قوی و موثر در وضعیت سیاسی و در مبارزات و جنبشهای اعتراضی توده مردم است. حزبی که در برابر جمهوری اسلامی، این وحشی ترین و در عین حال ضعیف ترین حلقه سرمایه داری جهانی مردم آزادیخواه را نمایندگی میکند و پرچم "فراخوان به سوسیالیسم" را در یک جامعه ملتهب و آماده انقلاب بر افراشته است. این فراخوان بر متن بحران همه جانبه سرمایه داری جهانی میتواند و باید جهانی شود. پیروزی کمونیسم کارگری در ایران راه رهایی را به کل جهانیان نشان خواهد داد اما عرصه مبارزه ما از همین امروز جهانی است. ما موظفیم بر متن بحران جهانی کمونیسم کارگری و سوسیالیسم انسانی آنرا به مردم خشمگین دنیا بشناسانیم. موظفیم با همه امکاناتمان و تا آنجا که میتوانیم افق سوسیالیسم را در برابر جهانیان قرار بدهیم. حزب ما تا کنون در عرصه مبارزه علیه اسلام سیاسی، مذهب، بیحقوقی زن، حقوق کودک، نقد نسبیت فرهنگی و دفاع از سکولاریسم، در کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی و در استرالیا و ژاپن و ترکیه فعال بوده است. ما در همه این کشورها و عرصه های فعالیت بین المللی استراتژی سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی سوسیالیسم در ایران را دنبال میکرده ایم. امروز وقت آنست که نقد سوسیالیستی سرمایه داری را در راس اولویتهای این فعالیت بین المللی قرار بدهیم. خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار در هر کشوری کار کارگران و توده مردم همان کشور است. تا زمانی بورژوازی خود را به شکل کشوری سازمان داده است ستاد مبارزه کارگری نیز ناگزیر باید کشوری باشد. اما در چپ جهانی بویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی خلائی وجود دارد که به کمک تجربه و مبارزه و دستاوردهای سی ساله ما بسیار سریعتر خواهد شد. زمینه های عینی رشد کمونیسم کارگری در جهان هیچوقت تا این حد آماده نبوده است. آستینها را بالا بزنیم و به استقبال جهانی برویم که تشنه نقد رادیکال و انسانی کمونیسم کارگری است.*

از صفحه ۱ اول مه ...

۵ هفته بیشتر به اول مه روز همبستگی جهانی کارگر نمانده است. باید از هم اکنون به استقبال يك اول مه با شکوه و بزرگ برویم. اول مه روز کيفرخواست عليه توحش سرمایه داری و روز اعلام عزم جامعه برای رهایی انسان از این جهان وارونه است. باید این روز را وسیعاً جشن گرفت و گرامیداشت. در ایران که یکی از وحشی ترین، جنایتکارترین و ضد انسان ترین حکومت های سرمایه داری بر روی کار است، گرامیداشت اول مه فرصتی برای اعتراضی وسیع علیه جمهوری اسلامی و اعلام جرم علیه همه مصائبی است که این حکومت جنایتکار بر سر جامعه آورده است. بویژه در شرایطی که گرانی و تورم بیداد میکند، فقر بیداد میکند و این زندگی و معیشت کل جامعه است که مورد تعرض هرروزه این رژیم قرار دارد، و نیز در شرایطی که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد، اول مه فرصتی است برای مبارزه علیه فقر، گرانی، اعتیاد، تن فروشی، اعدام، سنگسار و همه قوانین ارتجاعی اسلامی حاکم و نیز فرصتی است که مبارزات بخش های مختلف جامعه را علیه بهم پیوند میدهد. باید اول مه روز همبستگی جهانی کارگران را به يك روز قدرتمندی بزرگ علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد. باید در این روز وسیعاً به میدان آمد و با برپایی تجمعات بزرگ و راهپیمایی صدای اعتراض خود را بلند کرد. واقعیت اینست که ما در شرایطی متفاوت نسبت به هر سال به استقبال اول مه میرویم.

اول اینکه ما در شرایطی به استقبال اول مه میرویم که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد. از جمله سال ۸۷ سال اعتراضات وسیع کارگری بود، سال متشکل شدن و متحد شدن کارگران بود، سالی بود که تشکلهایی چون اتحادیه آزادی کارگران ایران تشکیل شد و کارگران نیشکر هفت تپه سندیکای خود را شکل دادند و سالی بود که کمپینی با هزاران امضا برای خواست افزایش دستمزدها به راه افتاد. همچنین در سال گذشته ما شاهد اعتراضات گسترده در دانشگاه و در میان معلمان و رودویی هر روزه مردم در کوچه و خیابان با این رژیم بودیم. ما شانزده آذر را داشتیم که در آن

دانشجویان با شعار مرگ بر دیکتاتور، سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه، زنده باد سوسیالیسم صدای اعتراض جامعه را نمایندگی کردند و در هشت مارس روز جهانی زن و در همین کشاکش مردم بر سر برپایی جشن چهارشنبه سوری و تقابل با قوانین اسلامی این رژیم نیز بخوبی فضای ملتهب جامعه را شاهد بودیم. گسترش این اعتراضات به حدی بود که رژیم تحت عنوان مقابله با چالش های اجتماعی و بحران های اجتماعی مانور ناچایش را براه انداخت. امروز میتوان از اینکه سال ۸۸ سال اعتراضات سراسری کارگری خواهد بود سخن گفت و حتی کارشناسان جهانی بورژوازی از ایران دارند بعنوان محور شورش سخن میگویند.

دوم اینکه اول مه يك عرصه کشاکش هر ساله کارگران با رژیم بوده است و این روز بیش از هر روز دیگری در میان کارگران و در جامعه جای خود را باز کرده است. هر سال از مدتی قبل جنب و جوش بر سر برپایی مراسم اول مه و برنامه ریزی برای آن، در میان کارگران بالا میگیرد و امسال ما بیش از هر سال شاهد چنین تحرکی هستیم. کلا میتوان دید که برپایی تظاهرات و راهپیمایی به مناسبت اول مه، کما بیش به سنتی جا افتاده در جنبش کارگری تبدیل شده است. بدین ترتیب همه اینها نشان میدهد که امروز با پتانسیل به مراتب بالاتری میتوانیم جامعه را برای برپایی اول مه بعنوان يك روز بزرگ اعتراض به تحرك در آورد و نیز امروز حاکی از اینست که اول مه امسال میتواند به يك اتفاق سیاسی مهم تبدیل شود. بنابراین اگر همه نیروی خود را برای برگزاری بزرگ این روز بسیج کنیم، بدون شك ما شاهد يك پیروزی بزرگ در این روز خواهیم بود که گامها ما را به جلو خواهد برد. باید خود را برای چنین کار بزرگی آماده کنیم. اول مه را باید بساریم و از هم اکنون باید به تدارکش برویم.

به نظر من این دست فعالین چپ و رادیکال کارگری و کمونیستها را میبوسد که با تشخیص این اوضاع و با تصویری متفاوت نسبت به هر سال به تدارک اول مه بروند. اول مه باید بزرگ، اجتماعی و توده ای برگزار شود و کل جامعه را باید برای آن

بسیج کرد. در اول مه تعداد هرچه بیشتری از رهبران و چهره های جنبش کارگری باید حضور خود را به کارگران نشان دهند. همینطور تعداد هرچه بیشتری از زنان کارگر باید در این روز شرکت کنند. اول مه نباید مردانه باشد.

چگونه اول مه را به يك روز بزرگ قدرتمندی تبدیل کنیم

برای اینکه اول مه را بزرگ و قدرتمند بر پا کنیم، قبل از هر چیز باید جایگاه مهم این روز، بعنوان يك روز اعتراض اجتماعی، آنهم در متن



اوضاع خطیر سیاسی امروز را دریافت و به استقبال رفت.

برای سازماندهی يك اول مه بزرگ و با شکوه، برای تبدیل کردن اول مه به يك روز اعتراض وسیع جامعه علیه این رژیم جنایتکار و تبدیل آن به يك روز مهم و تاریخی، باید جمع شویم، متحد شویم، برنامه ریزی کنیم و از هم اکنون خود را آماده کنیم. برای چنین روزی باید هم اکنون گفتمان آنرا براه انداخت. باید در جمع هایمان بنشینیم و در

استفاده از این روز بعنوان بهترین فرصت برای بیان خواستها و اعتراضاتمان صحبت کنیم و به تصمیمی واحد برسیم. اگر قبول داریم که اول مه روز کيفرخواست عليه جنایات این رژیم متوحش سرمایه داری است و روز اعتراض علیه تبعیض و نابرابری است، دیگر گرامیداشت آن فقط مربوط به کارگران نیست، بلکه روز مبارزه کل جامعه برای رهایی است و باید کل جامعه را برای آن بسیج کرد. دانشجویان همواره نقش مهمی در برپایی اول مه داشته اند و امسال نیز يك مرکز مهم برای تدارک اول مه کارگران با خانواده هایشان به استقبال این روز بروند. باید از هم

اکنون در کارخانجات و در مجامع عمومی کارگری و در میان تمام معلمان، پرستاران، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه این گفتمان را براه انداخت و خود را برای گرد همایی بزرگ اول مه و راهپیمایی بزرگ در این روز آماده کرد.

در عین حال باید همه تدارکات لازم را برای يك اول مه بزرگ و توده ای انجام داد. باید در اینروز شاهد بیانیه های اعتراضی همه بخش های جامعه باشیم و صفی از سخنرانان زن و مرد به پشت تریبونها بروند و علیه این تبعیض و نابرابری و اینهمه جنایات رژیم اعلام جرم کنند و جامعه شناخت بیشتری از رهبران و چهره های جنبش کارگری بدست آورد. باید خود را برای آن آماده کنیم.

همچنین داشتن پلاکارد با اسم هر کارخانه و به اسم تشکل هایی که به تلاش خود کارگران تشکیل شده است، يك اقدام مهم در هويت دادن به اول مه است، تجربه ای که در اول مه بزرگ سال ۵۸ شاهدش بودیم و در سالهای بعد نیز در اول مه ها در خیلی موارد کارخانجات این کار را کردند. باید این حرکت را گسترش داده و سازمانش داد.

همانطور که اشاره کردم اول ماه مه فرصتی است که بیس از هر وقت مبارزات بخش های مختلف جامعه را حول خواستهای مشترک و سراسری بهم پیوند میدهد. باید این فرصت را دریافت.

جمع های کانال جدید و اول مه

بحث بر سر شرکت و برپایی مراسم اول مه از هم اکنون باید يك موضوع مهم بحث در جمع های کانال جدید و در میان اعضای حزب کمونیست کارگری باشد. این جمع ها در هر کجا که هستند باید بر روی سازماندهی این روز بحث کنند، نیرو بسیج کنند، در میان بخش های مختلف مردم آگاهگری کنند و در میان خود برای گرامیداشت با شکوه این روز تقسیم کار کنند. در و دیوار را از شعارهای زنده باد اول مه، زنده باد کانال جدید، زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران پر کنند، تراکت های ویژه اول مه و قطعنامه هایی که بیانگر خواستهای سراسری کارگران و کل جامعه است و آماده و در همه جا پخش کنند و بدین ترتیب فضای جامعه را به رنگ اعتراض

خود و به رنگ این روز در آوردند. در عین حال همانطور که اشاره کردیم اول مه روز اعتراض وسیع علیه جمهوری اسلامی این رژیم متوحش سرمایه داری است. فراخوان من به کل جامعه اینست که برای اینکه با صفوف قدرتمند تر و متحدتری وارد این نبرد مهم شویم، برای اینکه این روز را به روزی تاریخی تبدیل کنیم، بیابید وسیعاً به حزب خودتان حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید و در کنار کانال جدید و در کنار این حزب این روز را وسیعاً جشن بگیریم. اول مه فرصتی است که با نوشتن شعار زنده باد کانال جدید، زنده باد سوسیالیسم میتوانیم حضور صف عظیم خود را در این روز به نمایش بگذاریم.

اول مه خیابانها از آن ماست

اول مه سنتا روز تجمعات، روز راهپیمایی و روز اعتراض است. در طول حیات جمهوری اسلامی، برگزاری این روز مهم يك عرصه کشاکش کارگران و کل جامعه با رژیم بوده است. اما اینکه امروز جمهوری اسلامی ناگزیر میشود از روز کارگر در قانون کارش نام برد، از اول مه سخن بگوید، خود يك پیشروی مهم برای جنبش کارگری است. البته جمهوری اسلامی تعطیلی این روز را به عنوان يك روز تعطیل رسمی کل جامعه پذیرفته است. همواره با جلو انداختن تشکل های دست ساز خود، شوراهای اسلامی و خانه کارگر تلاش کرده اس، که مقابل حرکت مستقل خود کارگران در این روز بایستد و با

تبدیل کردن این روز به هفته کارگر و غیره، روز اول مه را مخدوش و کنار زند، اما توانسته است این روز را از کارگران بگیرد و کارگران هر ساله این روز را جمع شده اند و مراسمهایشان جشن گرفته اند. در مقابل مراسمهای دولتی ایستاده و آنرا بر سرشان خراب کرده اند. امسال نیز وضعیت از همین قرار خواهد بود. اول مه روز ماست و اجازه نمیدهیم که در این روز به اسم کارگر به خیابان بیایند و نیروی اعتراضی کارگران و مردم معترض را وجه المصالحه نزاعهای درویشان سازند. اول مه روز کارگران و روز اعتراض کل جامعه است و در طول سی سال حیات این رژیم هر ساله در این روز

از صفحه ۱ نشست گروه بیست ...

اعتراضات در حاشیه نشست گروه بیست: "مردم را مقدم بدارید"

مسئول خرابکاریهای شما نیستیم" و "غارتگران باید مجازات شوند". در تظاهرات روز چهارشنبه اول آوریل وقتی صف تظاهرکنندگان از برابر بانک اسکاتلند میگذشت کارکنان بانک پشت پنجره ها جمع شده بودند و تظاهرات را نظاره میکردند. و تظاهرکنندگان که بیشتر خشم خود را متوجه بانکها و موسسات مالی کرده بودند شعار میدادند "بانک داران! خود را از پنجره بیرون بیندازید!" هم اکنون در خیابانهای لندن تظاهرات ادامه دارد و بنابه گزارشها یک نفر در تظاهرات جان باخته است و بیش از هزار نفر بازداشت شده اند.

گذاریهای عظیم میلیاردری از مالیاتهای مردم به سوی بانکها و موسسات مالی سرازیر شده است. شدت اعتراض دارند. طی روزهای اخیر خیابانهای مرکزی لندن مدام صحنه تظاهراتهای هزاران نفر مردم معترض بوده است. در کل لندن وضعیت فوق العاده است و ابعاد اعتراض بسیار گسترده است. بیشترین نیروهای پلیس ضد شورش به لندن گسیل شده اند و همه جا حضور دارند. در مواردی اعتراضات به درگیری با پلیس ضد شورش کشیده شده است. در واقع تجمعات تا ساعات دیر وقت شب ادامه داشته است. یکی از شعارها اینست که "ما

طی روزهای اخیر صدها هزار نفر از گوشه و کنار جهان در لندن گرد آمده اند تا علیه سران کشورهای گروه بیست تظاهرات و اعتراض کنند. کمپین و کارزاری گسترده تحت عنوان مردم را مقدم بدارید به جریان افتاده است و بیش از ۱۵۰ سازمان پشت این کمپین قرار دارند. در این کمپین و کارزار گسترده انواع و اقسام جریانها و چپ و راست شرکت دارند. همه از چپاول عظیم بانکها و موسسات مالی خشمناکند. کارگران و مردم از اینکه بیکاری و ورشکستگی بیخ گوش آنها قرار گرفته است بشدت خشمگینند و از اینکه مردم فراموش شده اند و سرمایه

خود مجبورند اعتراف کنند که سرمایه داری به ته خطر رسیده است. این اعتراف کسانی است که پیش از این شکست سرمایه داری دولتی در بلوک شرق را بعنوان پایان سوسیالیسم و کمونیسم و تثبیت ابدی نظام سرمایه داری معرفی کرده بودند. همینها امروز ناچارند شکست یک سیستم تمام عیار اقتصادی و ایدئولوژیک و سیاسی را اعتراف کنند و در مجلاتشان تیتر بزنند که «مارکس حق داشت».

واقعیت همین است. همه کس امروز میدانند که به سیستم تازه ای نیاز است. به ارزشهای تازه ای نیاز است. به اقتصاد تازه ای نیاز است. بحرانی که آغاز شده در چارچوب سرمایه داری راه حلی ندارد. این بزرگترین و عمیق ترین و همه جانبه ترین بحران سرمایه داری در تمام طول تاریخ حیات چند صد ساله آنست. گرچه امروز به وضوح از یک بحران و رکود و بهم ریختگی سخن گفته میشود اما این بحرانی نیست که از امروز شروع شده باشد. اگر کسی بخواهد به تاریخ شروع

داری جهان هستند. قدرتمندترین مقامات جهان سرمایه داری گرد آمده اند تا فکری بحال اقتصاد جهان نکنند. برای این گردهمایی برای حضور هر کدام از این سران معادل ۱ میلیون پوند انگلیس هزینه شده است. یعنی جدا از میلیونها دلار هزینه هایی که هر کشور خرج سفر هیئتش کرده است، بیست میلیون دلار هزینه نشست این مقامات است. اینجا روسای جمهور و نخست وزیران کشورهای مهم جهان قرار است به معضلی پاسخ گویند. ظاهرا هیچ چیز کم ندارند. قدرت، پول، توجه، حمایت. به این ترتیب این نشست باید به معضلی که رو در روی جهان سرمایه داری قرار گرفته پاسخ دهد. اما معضل چیست؟

در مورد معضلی که رودروی اینهاست یعنی بحران اقتصادی سرمایه داری طی پنج شش ماه اخیر حرف زیاد زده شده است. اما شاید این چند جمله که از زبان یکی از تحلیلگران مجله "نیویوریک" درست یک روز قبل از کنفرانس

ابعاد چند ده هزار نفره به خود گرفت و ادامه دارد. ابعاد خودکشی چندین برابر شد. اعتماد رخت بریست. و سرمایه داری بی حفاظ شد. این بطور خیلی فشرده و شماتیک داستان معضلی است که رو در روی گروه بیست قرار گرفته است.

کنفرانسی برای بازگرداندن اعتماد کاذب

کنفرانس گروه بیست برای معضل موجود هیچ راه حلی ندارد. هیچ سرمایه دار و تحلیل گر و تنورسین بورژوازی برای این بحران راه حل ندارد. این همان بحران ذاتی سرمایه داری است که مارکس آنرا گریز ناپذیر نامیده بود. این همان بحران کاهش نزولی نرخ سود است که سرمایه داری با یک سیستم مجازی تلاش کرده بود آنرا خنثی کند و دور بزند. این بحران در عصر اینترنت و گلوبالیزاسیون سریع ابعادی جهانی بخود گرفته است. اما هنوز برای همه مردم جهان ابعاد واقعی آن محسوس نشده است. آنچه گروه بیست میخواهد انجام دهد اینست که همان اعتماد کاذبی با بهتر است بگوییم همان اعتماد کاذب را به میان کل جامعه ببرد. هم سرمایه داران و هم مردمی که دارند بیخانمان میشوند به چنین دروغی نیاز دارند. پاسخ این بحران آشکارا کنار زدن سرمایه داری و برپایی یک نظام انسانی و سوسیالیستی است. این را امروز

ورشکستگی یکی از مجتمع های اصلی مالی یعنی "نوردن راک" قابل مشاهده بود. آنها که دست اندرکار ساختن پول و ثروت و سود بودند و آنها که از نوع همین مقامات دست اول بودند که راه گریزی از بحرانی عمیق نیست، ترجیح دادند که مساله را کوچک جلوه دهند. و جهان سرمایه داری کمابیش باور کرد که چیز چندان مهمی نبوده است و به حیات پزرزق و برق خویش و کسب سودهای میلیونی و میلیاردری ادامه داد. تا اینکه در سال گذشته سقوط مالی موسسات وام مسکن در ابعادی بسیار گسترده تر روی داد و دیگر قابل انکار کردن نبود. اکنون بحران و ورشکستگی بسیار بسیار از حوزه مالی و بانکی فراتر رفته و بخش اعظم اقتصاد کشورهای اصلی جهان را فراگرفته است و سرعت رو به گسترش است.

ورشکستگی یکی از مجتمع های اصلی مالی یعنی "نوردن راک" قابل مشاهده بود. آنها که دست اندرکار ساختن پول و ثروت و سود بودند و آنها که از نوع همین مقامات دست اول بودند که راه گریزی از بحرانی عمیق نیست، ترجیح دادند که مساله را کوچک جلوه دهند. و جهان سرمایه داری کمابیش باور کرد که چیز چندان مهمی نبوده است و به حیات پزرزق و برق خویش و کسب سودهای میلیونی و میلیاردری ادامه داد. تا اینکه در سال گذشته سقوط مالی موسسات وام مسکن در ابعادی بسیار گسترده تر روی داد و دیگر قابل انکار کردن نبود. اکنون بحران و ورشکستگی بسیار بسیار از حوزه مالی و بانکی فراتر رفته و بخش اعظم اقتصاد کشورهای اصلی جهان را فراگرفته است و سرعت رو به گسترش است.

در واقع سرمایه داری طی چند دهه اخیر با رشد کم نظیری مواجه شد که اساس این رشد بر اعتمادی بی پایه به سیستم مالی و بانکی استوار بود. خود صاحب نظران بورژوازی میدانستند که رشد فوق العاده حیرت انگیز و سریع سرمایه ها و ثروتها که با کنشهای مالی صورت میگرفت یک رشد بسیار خطرناک است و بهمین دلیل نیز اصطلاح "رشد باد کنکی" را برای آن بکار میبردند. اما تا زمانی که سودها و پولهای کلان از راه می رسید همه کس در صفوف "بیزینس من ها"



این وضعیت برسد ناچار است چندین سال به عقب بازگردد. یعنی سالهای آغازین قرن بیست و یکم. این بحرانی است که حداقل از ۵ سال پیش با ورشکستگی شماری از مهمترین موسسات وام مسکن در آمریکا شروع شد. برخی از این ورشکستگی ها مثل موسسه "آرون" یک دنیا شارلاتانیسم و کثافت را از پشت خود بیرون زد و مشامها را آزرده نمود. بعد از مدت کوتاهی تاثیرات بحرانی که میرفت شروع شد به اروپا رسید و بوضوح در سال ۲۰۰۷ بویژه در انگلستان با

گروه ۲۰ بیان شده بیش از همه مشکل را بیان کند. به این جملات توجه کنید: "ما (با این بحران) به پایان ربع قرن سلطه اقتصاد ریگانی رسیده ایم. به پایان بازی سهام، به پایان گلوبالیزاسیون، به پایان نفس سرمایه داری رسیده ایم. ما به سیستم تازه ای نیاز داریم. به اقتصاد جدیدی نیاز داریم. به یک سری کامل از ارزشهای تازه نیاز داریم" این نوع سخنان را تا کنون از زبان کمونیستها و نیروهای ضد نظام سرمایه داری شنیده ایم. اما این روزها سخنگویان و تحلیلگران بورژوازی

کاباره "زنان خدمتکار" علیه سنگسار علیه زن ستیزی قوانین اسلامی و علیه مانتی کالچرالیسم

محمد آسنگران

یک قدم مهم دیگر از پیشروی جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی در آلمان از گروه تئاتر "آرکاداش"، کاباره "زنان خدمتکار" در آلمان و حملات شدید به قوانین سنگسار و قوانین ضد زن و حکومت اسلامی ایران

برای من دیدن این کاباره یک واقعه بسیار جالب بود. ۲۷ ماه مارس ۲۰۰۹ دعوت نامه ای برای مینا احدی ارسال شده بود با این مضمون: خانم احدی آیا میتوانید در این برنامه در شب ۳۰ مارس در کلن آلمان حضور داشته باشید چرا که با استفاده از کتاب شما "من از مذهب رویگردانم" بخشی از این برنامه تهیه و تنظیم شده و اسم این برنامه "مولتی کولتی مو" و یا به نوعی هو کردن مانتی کالچرالیسم است. نامه از طرف کارگردان این

تئاتر بود و بسیار صمیمی بود.

در بخشی از آن آمده بود:

"اجازه دهید خودمان را کوتاه معرفی کنم". کاباره زنان نظافتچی و یا زنان خدمتکار" از طرف گروه تئاتر آرکاداش، در کلن، از سال ۱۹۹۳ فعالیت میکند و در این مدت این گروه تئاتر به محبوبیت زیادی دست یافته است. این کاباره، کاباره انتقادی از طرف مهاجرین و پناهندگان در آلمان است. مدتی است که ما برنامه هفتم خودمان را با عنوان "مولتی کولتی مو" شروع کرده ایم. بازیگران این کاباره خانم فیگن کاناتالیا از ترکیه که از آغاز با ما همراهی کرده است، و دو دختر ایرانی آفاق و آذین بازی کتان اصلی این تئاتر هستند. خوشحال میشویم اگر شما و خانوادهتان این دعوت ما را بپذیرید. کتاب بسیار جالب شما "من از مذهب رویگردانم" در شرایط بسیار خوبی به بازار عرضه شد. خوب ما به خودمان اجازه دادیم مهمترین فاکتورها را در مورد سنگسار، ازدواجهای اجباری، مولتی کالچرالیسم و... را از کتاب شما استفاده کنیم. ما باید به شما اطمینان خاطر بدهیم که که با مضمون کتاب شما، با انتقادات شما واقف و ایده ای که نمایندگی میکنید مطلقاً در یک مسیر هستیم. بدیهی است که مضمون کتاب شما، اکنون به صورت کار هنری و تئاتر در آمده

این بحران اختصاص داشت. بازیگران بسیار حرفه ای و خوب بازی کردند و جمعیت کاملاً تحت تاثیر این برنامه جالب بودند و بارها بازیگران را تشویق میکردند. بخش هایی از برنامه چشم ها پر از اشک میشود و بیشتر حالت یک شوک به جمعیت دست میدهد، و در بخش هایی قهقهه خنده ها در فضا موج میزند، بویژه آنجا که مقامات دولت آلمان و چهره های شاخص همه احزاب در قدرت و اپوزیسیون آلمان مزاح میشوند و یا به سران حکومتی اسلامی حمله میشود و آنها را به مزاح میکشند.

بعد از اتمام برنامه، یکی از برگزار کنندگان از ما دعوت کرد به دیدار با بازیگران و کارگردان رفته و در مورد ادامه این برنامه و یا همکاری با آنها صحبت کنیم. همانجا دو زن آلمانی دارند با بازیگران حرف میزنند. یکی از اینها میگوید، احترام کامل به کارتتان و جرات و شجاعت شما دارم، ولی این دوستم میگوید، اول یک شوک به من دست داد و سپس متوجه شدم که اینجا در مورد مهمترین مشکلات حرف زده میشود. او در ادامه گفت کلمات و اصلاحاتی که بکار برده اید بسیار پر معنا و جالب به کار گرفته شده است. کلمات در این تئاتر خیلی ماهرانه و هنرمندانه ادا میشوند و بیننده را به فکر فرو میبرند.

مینا میگوید: در اینجا در مورد مصایبی حرف زده شد که بسیار تکان دهنده است و شاید بد نیست که جامعه شوک تراپی بشود، تا بعد از سی سال جنایات اسلامیها در ایران و منطقه، همه به پا خیزند و کاری بکنند. بعد از گپی ۱۰ دقیقه ای این دو خانم آلمانی از جمع ما خدا حافظی کردند.

ما با گروه تئاتر و کارگردان و دیگر مسئولین این برنامه به بحث و گفتگو پرداختیم. طبعاً اولین عکس العمل ما، تشویق و اعلام پشتیبانی کامل ما از بازیگران و کارگردان و همکاران این گروه تئاتر بود. مینا در این جمع دوستانه خطاب به کارگردان و بازیکنان و دیگر مسئولین این گروه تئاتر گفت: دستتان درد نکند. این یک پیشروی مهم جنبش سکولاریستی و انسان دوستانه در دفاع از حقوق انسانی و بویژه حقوق زنان است. سخنرانی و جلسه و راهپیمایی و نوشتن غیره یک وجه کار است که ما بیشتر مشغول آن هستیم، اما کار هنری

از بیست سال کار تئاتر و این تجربه جدیدشان، در برنامه "زنان و شریعه" و حملات اسلامیها و همچنین همراهی مطبوعات با جنبش اسلامی و سیاستهای دولت آلمان و سکوت مطبوعات در مورد این برنامه و...

برنامه از ساعت هشت شب آغاز شد. سالن تئاتر آرکاداش پر شد و برگزار کنندگان نگران بودند زیرا جا کم بود و صندلیها کنجایش همه حاضرین را نداشت. اما با این حال برنامه آغاز شد. قسمت اول، یک نقد جالب و بسیار زیبا از شکست مولتی کالچرالیسم و نقش احزاب دولتی و یا سازمانهای متعدد سیاسی در پارلمان آلمان در همراهی با جنبش اسلامی و سکوت آنها در مورد نقض حقوق انسانی بود. بخش دوم یک صحنه سنگسار را در ایران نمایش میداد. کارگردان سعی کرده بود، یک استادبوم را نشان دهد که از ایران و از تهران، بجای گزارش فوتبال، تلویزیونی به اسم "شریعه TV" گزارش سنگسار را میدهد. گزارشگر، که انگار کماکان فوتبال را گزارش میکند، با علاقه و آب و تاب میگفت که چگونه سنگها را پرتاب میکنند و اندازه سنگها چقدر باید باشد و چگونه این "واقعه" به اتمام میرسد و همه میتوانند بروند و سرشان را روی بالش بگذارند چون فاطمه.... سنگسار شد.

یک بخش برنامه در مورد تن فروشی در ایران بود و بازار پر رونق ملاها در این داد و ستد و فروش تن و سکس در ایران، بخشی دیگر در مورد ازدوجهای اجباری بود و همراهی سیستم حقوقی آلمان با این نقض حقوق انسانی زنان در قلب اروپا و یک بخش بسیار جالب در حالیکه آنجا مرکل، صدر اعظم آلمان را با رعایت نیمه حجاب اسلامی نشان میداد، از جیبی و همراهی دولت و سیستم با جنبش اسلامی و اسلام سیاسی حرف میزد و با لنگه کشش به او حمله میشود... خلاصه همه موضوعاتی که در آلمان مورد توجه هستند، سیاستهای دولت آلمان در این برنامه یکساعت و نیمه مورد نقد صریح و بدون ملاحظه قرار گرفته بود. بخشی از برنامه هم به بحران مالی اخیر و نقش بانکها و دولت در

است. ولی این بار از طرف اسلامیها یک عکس العمل شدید به فعالیت ما نشان داده شد. در یک برنامه سخنرانی و سفر به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن، ما مجبور شدیم این برنامه را در زمان استراحت قطع کنیم چرا که تعدادی با خشونت و سر و صدا و با عصبانیت کامل در جلسه به ما حمله ور شدند. اینها زنان محجبه ای بودند که در محل حاضر بودند، این جلسه مخصوص زنان بود و مردان در آنجا نبودند. بنظر میرسید، که این خانم های محجبه برای یک رقص شکم آنجا آمده بودند و انتظار این کاباره انتقادی را نداشتند. ...

کارگردان و مسئول این برنامه ها هنرنیسه و کاباریست معروف و نویسنده آلمانی آقای "راینر هاینه من" است. این نویسنده در برنامه جدید تئاتر "آرکاداش" موضوع "زنان و قوانین شریعه" را انتخاب کرده و موضوع کار کنونی این گروه تئاتر همین است. او اظهار علاقه کرده بود که مینا احدی شخصا این برنامه را ببیند و اگر انتقاد و یا ملاحظاتی دارد به کارگردان این برنامه ارائه دهد.

هنگامیکه مینا این نامه کارگردان را به من نشان داد صمیمیت او و مضمون نقد این کارگردان به مذهب و نقد او به دولت آلمان و همکاری با اسلامیها، همه ما را قانع کرد که به این محل رفته و از نزدیک کاباره را ببینیم و با برگزار کنندگان و کارگردان و بازیگران از نزدیک آشنا شویم.

برای اولین بار خانوادگی و دسته جمعی، بهمه راه دو دخترمان به یک برنامه سیاسی میرفتیم. دم در تعداد زیادی ایستاده بودند و منتظر ورود به سالن بودند. جالب اینست که محل برگزاری این تئاتر، محله ای در شهر کلن آلمان است که بدلیل جنگ و جدال با سازمانهای اسلامی بر سر ساختن یک مسجد بزرگ در این محله، معروف شده است. "اهرنفلد" در کلن محله ای است معروف بدلیل جدال بر سر یک مسجد بزرگ، امروز این محله شاهد یک برنامه انتقادی به اسلام و اسلام سیاسی است.

دم در محل اجرای نمایش، آقای "راینر هاینه من"، کارگردان و خانم "خدیجه ایچیک" مدیر اجرایی این گروه تئاتر منتظر ما بودند. با آنها آشنا شدیم و گپی زدیم در مورد تجارشان

و تئاتر و کاباره و فیلم و... در این مبارزه علیه فرهنگ و جنبش اسلامی میتواند بسیار موثر باشد. با قدرت و اعتماد به نفس به کارتتان ادامه بدهید و ما را در کنار خودتان بدانید. یکی از آنها میگوید، مشکل ما اینست که فوراً ما را به گوشه راست و به جریانات راست جامعه وصل میکنند و هر انتقادی از اسلام را به راستها منتسب میکنند... و ما از تجارب خودمان در این مورد و اینکه باید علیرغم همه این فشارها ایستاد و از انسانیت و حقوق انسانی دفاع کرد، حرف میزنیم. گفتیم این تاکتیک اسلامیها و جریانات پرو اسلامی و چپهای "ضد امریالیست" است که هر نقد سیاسی از جریانات اسلامی را مخالفت با خارجیا و راسیستی قلمداد کنند. این تاکتیکی برای بیرون بردن اسلامیتها از زیر تیغ انتقاد است. اتفاقاً بلون نقد رادیکال و چپ مدرن فضا برای دست راستها و ضد خارجیا باز میشود. ما نباید این امکان را به آنها بدهیم.

ما با کارگردان و همکارانش در مورد اینکه امکانات تلویزیونی داریم که میتواند این کار را منعکس کند، بویژه اینکه موضوعات بسیار به ایران هم مربوط بودند، حرف زدیم و اینکه در آینده در جلساتی که داریم، میتوانیم از این دوستان دعوت کنیم که برنامه اجرا کنند و...

بهر حال شبی شاد و بسیار جالب برای ما و همه شرکت کنندگان بود. وقتی از هاینه من پرسیدم، برنامه بعدی او چیست، با شوخی و صمیمیت خاص خودش گفت: کتاب دوم خانم احدی را دوباره در کاباره مطرح خواهیم کرد.... این اتفاق در دنیای امروز و در مناسبات کنونی دولتهای غربی و جنبش و حکومت اسلامی کاری بسیار با ارزش و ستودنی است. کاری خلاف جریان و عمیقاً انسان دوستانه و انتقادی به نابرابریها و زن ستیزیهای جنبش اسلامی و همراهی دولتهای غربی با این جنبش. نقدی جدی و با محتوی از تئوریهای نسبیت فرهنگی و دفاع از حقوق جهان شمول انسان خارج از هر مذهب و ملیتی که به آن منتسب میشوند. من همینجا همه علاقه مندان را به دیدن این تئاتر تشویق میکنم. به امید همراهی تعداد هر چه بیشتری از هنرمندان و کارگردانان و موزیسینهای منتقد و متعهد به حقوق انسانی، در این راستا هنوز جای بسیاری از هنر مندان خالی است و این تنها نمونه پیشرو و شجاع آن است که در کلن آلمان به کارگردانی هاینه من روی صحنه رفته است. برای آشنا شدن با این گروه تئاتر میتوانید به لینک زیر مراجعه کنید.

تکرار مفتضحانه طرح مهدی ایلخانیزاده

اعلام جدایی فراکسیون شکست خورده درون کومله



محمد آسنگران

"فراکسیون فعالیت به نام کومله" و خود کومله و رهبری حزب کمونیست ایران را در یک ردیف قرار بدهند و به آنها حمله کنند، و برخلاف افراد پرت و غیر سیاسی که از سر دمکراسی طلبی خواهان حقوق ویژه برای ناسیونالیستهای درون کومله هستند، در این تقابل ما آشکارا و بدون شک و شبهه علیه ناسیونالیستها و در دفاع از چپ کومله می ایستیم. هر نقدی که به کومله داریم در این تقابل علاقه مندیم و تلاش میکنیم که چپ کومله برنده این جدال باشد.

کسانی که دلسوز ناسیونالیستها شده و مبلغ همزیستی راست و چپ در کومله هستند، همانند کسانی که جایگاه سیاسی تقابل با این فراکسیون و ناسیونالیستهای افراطی را نمی بینند و نقش ملاتقطی بازی میکنند. و یا کسانی که هر دو جریان کومله و "فراکسیون فعالیت به نام کومله" را مثل هم قلمداد میکنند، غیر سیاسی گری و جایگاه حاشیه ای و غیر اجتماعی خود را عیان میکنند. ما همچنان خواهان تقویت کردن یک کومله کمونیست هستیم. ما اجازه نمیدهیم که به اسم کومله که تاریخی چپ و قابل دفاع دارد، جریان ناسیونالیست و قومپرست در کردستان میدان دار بشوند. چپ کومله اگر بخواهد کومله کمونیست را تقویت کند، میتواند و باید با اعتماد به نفس بیشتری به نقد همه جانبه ناسیونالیسم کرد پردازد*

توانستید دادگاهی را که برای محاکمه این کارگران تشکیل شده بود، متوقف کنید، اکنون نیز با اعتراض خود و با تجمعات اعتراضی خود در شهر میتوانید رژیم را به عقب برنید. نباید به جمهوری اسلامی فرصت داد. باید علی نجاتی را فوراً از زندان آزاد کنیم. شما کارگران نیشکر هفت تپه، شما مردم شهر شوش، و همه کارگران و همه ما با هم باید کار کنیم که نه تنها علی نجاتی از زندان آزاد شود، نه تنها احکام زندان برای کارگران لغو گردد، بلکه بتوانیم با قدرت بیشتری برای تحقق خواسته هایمان به جلو گام برداریم.*

ندارد. دفاع ایدئولوژیک از سوسیالیسم و نقد سرمایه داری عمل العموم، بدون تقابل و جدال با گرایشات سیاسی ضد کمونیستی موجود در جامعه نه توجه کسی را جلب میکند و نه نیرویی به کسی اضافه میکند.

روند تغییرات مثبت چپ در کومله بعد از کنگره ۱۳ آن سازمان به طور برجسته ای قابل مشاهده است. نقد رادیکال و تقابل با "فراکسیون فعالیت به نام کومله" اگر چه دیر آغاز شد اما به هر حال تعیین تکلیف سیاسی با آن فراکسیون یک پیشروی محسوب میشود. اما نقد سیاسی همه جانبه گرایش ناسیونالیستی از جانب کادرهای کومله هنوز از شفافیت لازم برخوردار نیست. چپ کومله باید متوجه این حقیقت باشد که ناسیونالیستهایی مثل مهدی و ایلخانیزاده هم، هنگام جدایی از کومله و حتی بعد از آن هنوز خود را به ظاهراً کمونیست معرفی میکردند. اکنون بر کسی پوشیده نیست که آنها جریان ناسیونالیست قومپرست هستند و این فراکسیون اخیر هم نه تنها هیچ مرز و نقدی به آنها ندارد بلکه برای متحد شدن با آنها تلاش میکند.

برخلاف جریان پرت و غیر اجتماعی که تلاش میکنند

روند رادیکال در نقد و حاشیه ای کردن ناسیونالیسم کرد در درون و بیرون کومله همه جانبه پیش برده شود.

اگر چه ما از سالها قبل وجود یک کومله کمونیست را بر شکل سازمانی کنونی حکای فعلی ترجیح داده ایم و هنوز هم فکر میکنیم این راه درست تقویت کومله کمونیست است، اما در جدال ناسیونالیستهای متمرکز در فراکسیون اخیر و دیگر جریانات قومپرست بر سر اسم حکا باید بدون ملاحظه علیه آنها و در دفاع از تاریخ و موجودیت حکا ایستاد.

تا آنجا که کومله بدست از حکا و تاریخ آن دفاع کند ما را در کنار خود خواهد داشت و این فراکسیون و همه ناسیونالیست ها با آن مشکل خواهند داشت.

واقعیت این است که با حاد شدن مبارزه طبقاتی همزیستی مسالمت آمیز کمونیسم و ناسیونالیسم در کومله غیر ممکن است. اگر قبلاً وجود گرایشات مختلف در درون کومله انکار میشد. اکنون رهبری حزب کمونیست ایران و کومله رسماً اعلام کرده اند که جریاناتی مانند سازمان زحمتکشان و شعباتش و فراکسیون اخیر و... همگی ناسیونالیست هستند. پذیرفتن همین حد از سیاست درست، یک قدم جدی به جلو محسوب میشود. کومله اگر بخواهد در کردستان جریانی رادیکال و جدی باشد علاوه بر ادامه ضدیتش با جمهوری اسلامی، راهی بجز مقابله جدی با جنبش ناسیونالیستی

کمونیست بودن و قومپرستی این جریانات برای هر انسان منصف و مطلعی آشکار و غیر قابل انکار است.

ضدیت آنها با کومله و حزب کمونیست ایران بر سر اسم حزب کمونیست ایران متمرکز شده است اما حساسیت اصلی و پایه ای آنها و ضدیت آنها با کمونیسم است.

ما قبلاً و بعد از کنگره ۱۳ کومله گفتیم که این فراکسیون در آن کنگره شکست خورد و پرونده اش بسته شد. تاکید کردیم که کنگره جواب محکمی به این فراکسیون داده است و باید از موضع رادیکال و چپ کومله در مقابل فراکسیونی که پرچم ناسیونالیسم کرد را بلند کرده است دفاع کرد. همان هنگام کسانی نابخرده از دریچه سکتاریسم سازمانی خود، کومله چپ و فراکسیون ناسیونالیستهای افراطی را با یک سیاست واحد مورد حمله قرار دادند و حتی مواردی به این فراکسیون سمپاتی بیشتری به نسبت کومله نشان دادند.

ما بارها تاکید کرده ایم ناسیونالیسم کرد از ابتدا در سرنوشت کومله شریک بوده است و باید به این شراکت بطور قطع پایان داد. ناسیونالیسم در کومله همیشه در مقابل سوسیالیسم و رادیکالیسم این سازمان حاشیه ای و بازنده و بی افق و استخوان لای زخم بوده است. اینبار هم ناسیونالیسم دارد عقب زده میشود. تعیین تکلیف با این فراکسیون یک قدم جدی در این راستا محسوب میشود. تاکید ما در این زمینه این است که باید این

ناسیونالیستهای افراطی درون کومله (فراکسیون فعالیت به نام کومله) در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۰۹ رسماً اعلام جدایی کردند. قبلاً رهبری حزب کمونیست ایران و کومله عنبر آنها را خواسته و طی اطلاعیه ای به آنها گوشزد کرده بود که با توجه به روش انحلال طلبانه اعلام شده تا کنونی آنها و البته باید اضافه کرد سیاستهای ضد کمونیستی و ناسیونالیستی این "فراکسیون" عملاً خود را در خارج آن حزب قرار داده اند.

فراکسیون درون کومله نمونه کمیک و تکراری "طرح باسازی کومله" است. این طرح و این سیاست قبلاً توسط مهدی- ایلخانیزاده اعلام شد. شکست و بی آبرویی آن جریان اکنون برای همگان عیان شده است. اگر قبلاً در درون صف کومله همزیستی با ناسیونالیسم کرد پر رنگ بود امروز به حکم تحولات اجتماعی و قدرت چپ و کمونیسم در جامعه این همزیستی در حال فروزیری است.

اکنون با جدایی جریانات مختلف ناسیونالیست و قومپرست از کومله مانند سازمان زحمتکشان، حزب کومله، طیف جدا شدگان از کومله (که بعد از سالها جدایی از کومله هنوز خود را صاحب آب و گل میدانند)، و اخیراً "فراکسیون فعالیت به نام کومله"، بیش از پیش معلوم شده است که ه ب مگی گرایشاتی از ناسیونالیسم کرد و قومپرستانی هستند که اساس اختلافشان با کومله بر محور ضدیتشان با کمونیسم است. ضد

علی نجاتی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شود

از اینروست که علی نجاتی اکنون در زندان است. باید در مقابل این تعرض رژیم ایستاد.

سخن من رو به کارگران نیشکر هفت تپه است، شما ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه با خانواده ها یتان و با حمایت مردم نیروی عظیمی هستید. باید با اعلام اعتصاب خود و با نشان دادن دوباره قدرت اتحادتتان رژیم اسلامی را به عقب برانید. از شما همانطور که در بار قبل با مارش اعتراضی خود در خیابانهای شهر

استخدامهای قراردادی و بیرون کردن شوراهای اسلامی از کارخانه. خواستهایی سراسری که کل کارگران آنها را مطالبه میکنند. بویژه اینکه کارگران نیشکر هفت تپه با اعتراضات پی در پی خود، با جلب حمایت شهر شوش و همراه داشتن خانواده هایشان به نیروی مهمی تبدیل شده و توجه کل جامعه و کارگران را بخود جلب کرده اند و رژیم از این موضوع و تسری آن به دیگر بخش های کارگری وحشت دارد.

کارگران نیشکر هفت تپه انتقام بگیرد، بخاطر اینکه تشکل آنها سندیکای نیشکر هفت تپه را در هم شکند، بخاطر اینکه کارگران نیشکر هفت تپه اعلام داشتند که برای ایجاد تشکل خود نیاز به گرفتن مجوز نمی بینند و ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است و آنرا تشکیل دادند و خلاصه اینکه بخاطر عقب راندن کارگران نیشکر هفت تپه از خواسته هایشان. خواست افزایش دستمزدها، خواست رسمی شدن

شهلا دانشفر

بیش از بیست روز است که علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه در زندان است. علی نجاتی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شود. رژیم اسلامی علی نجاتی را دستگیر کرد، برای اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه احکام زندان صادر کرد بخاطر اینکه از اعتراضات با شکوه یکساله اخیر

دست تروریستها از زندگی مردم افغانستان کوتاه پیرامون اجلاس "آینده افغانستان" در شهر لاهه هلند

آشتی دادن دو قطب تروریستی و سهیم کردن شاخه سیاسی و رام شده طالبان در دولت کرزای. کنفرانسی برای اهدای شاخه زیتون اوباما به جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی خود یکی از عاملین بی ثباتی و ناامنی و یکی از تغذیه کنندگان اصلی باندها و دسته جات جنایتکار اسلامی در افغانستان است. رفتارهای فاشیستی جمهوری اسلامی با پناهندگان و مهاجرین افغانی در ایران گوشه دیگری از سیاست جنایتکارانه جمهوری اسلامی نسبت به مردم ستمدیده افغانستان است.

تاریخ بیش از سه دهه کشمکش و نزاع خونین بر سر قدرت سیاسی در افغانستان به وضوح نشان داده است که راه حل انسانی و متمدنانه برای نجات مردم، نه تنها در این اجلاس ها دنبال نمیشود بلکه در تقابل با آنها و از جانب مردم آزادیخواه و انساندوست پاسخ میگردد. قدرت

تروریستی اسلام سیاسی و دولتهای غربی شد. از طالبان تا کرزای همه تحفه هایی بودند که در چنین اجلاس هایی برای مردم افغانستان ساخته و پرداخته شدند.

اجلاس آینده افغانستان قرار نیست اجلاسی بر سر بهبود شرایط زندگی خفت بار مردم افغانستان باشد. قرار نیست سایه شوم جنایت و تعدی باندها و دسته جات مرتجع اسلامی را از سر مردم بردارند و گشایشی در زندگی مردم افغانستان ایجاد کنند. این توقعات در چهارچوب استراتژی اجلاس لاهه نیمهنگند. اجلاس لاهه تلاشی است برای تجدید سهم و تقسیم قدرت و دخالتگری بیشتر دولتهای مختلف در منطقه. کنفرانسی است برای

جریانهای جزئی از سیاست جدید آمریکا در دوران بحران اقتصادی و شکست سیاسی نظامی ایدئولوژیک کنسرواتیسم است.

دولتهای غربی و بسیاری از شرکت کنندگان در این اجلاس از همگی در شکل دادن به یک زندگی ناامن و سرهم بندی کردن حاکمیتی از شیوخ مرتجع و قوم پرست اسلامی که بر متن بی حقوقی مطلق و تحمیل شرایط سیاه به زندگی میلیونها نفر در افغانستان نقش داشته اند. سیاستهای دولتهای غربی در منطقه عملاً زمینه ای برای گسترش جنبش اسلام سیاسی در منطقه و تبدیل افغانستان به میدان تقابل و رقابت خونین دو قطب

گیری چپ در جامعه و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی تنها راه تضمین آزادی و برابری کامل شهروندان، رفاه و سعادت همگان، و ایجاد یک نظام سکولار در افغانستان است. ما تمام مردم انساندوست و آزادیخواه در سراسر جهان را فرا

میخوانیم علیه دو قطب تروریستی و آوار خونینی که بر سر مردم افغانستان فرو میریزد اعتراض کرده و از برقراری سکولاریسم و تحقق آزادی و برابری و اهداف انسانی و سوسیالیستی در افغانستان حمایت کنند.

بعمل آمده تا عملاً در بازی خونین با سرنوشت مردم افغانستان سهمی در راستای استراتژی آمریکا بعهد

روز سه شنبه ۳۱ مارس دولت هلند میزبان اجلاس آینده افغانستان در شهر لاهه خواهد بود. این اجلاس به



بگیرد. چراغ سبز به جمهوری اسلامی و تلاش برای رام کردن جمهوری اسلامی و انگریزه کردن آن در چهارچوب سیاستهای خارجی غرب با اتکا به دیپلماسی آشتی

پیشنهاد وزارت خارجه آمریکا و با حضور دبیر کل سازمان ملل بان کی مون و نمایندگان ۸۰ دولت برگزار میشود. در این اجلاس برای نخستین بار رسماً از جمهوری اسلامی دعوت

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران -
هلند
سازمان سوسیالیستهای کارگری
افغانستان
۲۹ مارس ۲۰۰۹

سیزده بدر در شهرهای کردستان

گزارش از
بیدار - رگسنا - شاد - بهار
روز سیزده فروردین ۸۸، دهها هزار نفر از مردم شهرهای سنندج، مریوان، کامیاران، سقز، مهاباد، پیرانشهر و همچنین سردشت، ریط، نلاس و میرآباد از توابع سردشت به مناسبت سیزده بدر از خانه هایشان خارج شده و برای برگزاری جشن و شادی به دشت و صحراهای اطراف این شهرها رفتند. در سنندج مردم به دامنه آیدر و گردشگاههای اطراف، در مریوان در کنار دریاچه زیبا و شهرهای دیگر در گردشگاهها و تفریحگاههای اطراف در جمعیهای بزرگ شادی کردند، رقصیدند و با خوردنیهای گوناگون از همدیگر پذیرایی کردند. از سوی دیگر نیروهای انتظامی نیز در تمامی این محلها تجمع مردم حضور داشتند و فقط نظاره گر شادی و خوشی مردم بودند. حضور مردم بحدی وسیع بود که ترافیکی و راهبندان تا آخر شب در مسیر خودروها ادامه داشت.

مردم شهرهای کردستان با حضور گسترده خود سیزده بدر را به چهارشنبه سوری و سال نو وصل کردند و برای بار دیگر سد آپارتاید جنسی را درهم شکستند. زنان و مردان، جوانان دختر و پسر در جمعیهای بزرگ و دست در دست هم به رقص و شادی پرداختند. حضور چشمگیر مردم بار دیگر مأموران حکومتی را زمین گیر کرد و این بار هم ناتوان از ایجاد جو رعب و وحشت فقط نظاره گر شادی و نشاط مردم بودند. این تجمعات شورانگیز مردم، رفتن به استقبال شادی و شکستن دیوار آپارتاید جنسی است که سران حکومت اسلامی و نیروهایش از آن وحشت دارند.

۱۳ فروردین ۱۳۸۸، ۴ آوریل ۲۰۰۹
باز تکثیر از کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران

در حمایت از علی نجاتی مدیر سندیکای کارگران هفت تپه برای آزادی بیقید و شرط علی نجاتی بمیدان بیائیم!

کارگری و مبارزات کارگری را بی سر و صدا سرکوب و دستگیر نماید. به هر شکل که میتوانید برای آزادی بی قید و شرط علی نجاتی و از حق تشکیل کارگران هفت تپه و همه کارگران ایران حمایت کنید!

فرانکفورت
میز اطلاع رسانی و نمایشگاه عکس
جمعه ۳ آوریل از ساعت ۱۲ تا ۳
بعد از ظهر در دانشگاه فرانکفورت

تلفن تماس
۹۷۱۶۲۲۷۰۱۷۲
تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران -
آلمان
۲ آوریل ۲۰۰۹

اند. یک بار نیز در اعتراض به دستمزدهای معوقه در خیابان های شهر شوشتر راهپیمایی کردند.

در دفاع از آزادی علی نجاتی و در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب و دستگیری کارگران و برای جلب حمایت و پشتیبانی از خواسته های کارگران هفت تپه، تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران در شهر فرانکفورت اقدام به برپایی میز اطلاع رسانی به همراه نمایشگاه عکس از وضعیت کارگران در ایران کرده است.

علی نجاتی مدیر سندیکای کارگران هفت تپه فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. نباید اجازه داد جانیان اسلامی رهبران و فعالین

علی نجاتی مدیر سندیکای کارگران هفت تپه از ۱۸ اسفند توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است و از سرنوشت او خبری در دست نیست. پیش از آن نیز ۷ نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا توسط نیروهای وزارت اطلاعات و امنیتی رژیم بازداشت و پس از چند روز آزاد شدند.

فشار و تهدید علی نجاتی و دیگر اعضای هیئت مدیره بخاطر در هم شکستن سندیکا و تحمیل شورای اسلامی به کارگران نیشکر هفت تپه صورت میگردد.

کارگران هفت تپه در سال های گذشته بارها بخاطر بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی که به آنان صورت میگردد دست به مبارزه زده

از صفحه ۱ بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

تحلیل کرده است. به ما قول وضع مقررات جدید در بازار و بورس را میدهند و در عوض از ما میخواهند تا ضرر و زیان بانکها و غولهای برده داری جهانی را بپردازیم تا دوباره نرخ سود بالا برود و تولید از سر گرفته شود. به ما میگویند بدون استثمارگران و بدون موسسات و دولت های آنها، بدون دزدی ها و ریخت و پاش های آنها و بدون جنگ ها و جدال های آنها ما نابود خواهیم شد! آنها بدون هیچ شرم و حیایی همین را دارند میگویند. اگر قبول نکنیم و صدایمان درآید زراد خانه ای از گاز اشک آور و باتوم و پلیس و زندان و دادگاه و مسجد و کلیسا و پارلمان و سیاستمداران و دروغگویان حرفه ای شان را سراغ ما میفرستند. زرادخانه ای که بر دوش ما ساخته اند

و هزینه های آن به تنهایی برای چند بار ریشه کن کردن گرسنگی، بیماریهای واگیردار، بیسوادی، اعتیاد و فحشاء و جلوگیری از نابودی محیط زیست در جهان کافی است.

تا وقتی آنها قدرت سیاسی را دارند و برای جهان تصمیم میگیرند وضع کمابیش همینطور خواهد بود. اگر جهان را در جنگ ها و رقابت هایشان به آتش نکشند، در بهترین حالت، با تحمیل فقر و فلاکتی بی سابقه به ما بحران شان را از سر خواهند گذراند. ممکن است از ترس اعتراض ما اینجا و آنجا به رفرم هایی تن دهند، اما جهنم بردگی مزدی و حاکمیت سرمایه و سود و بازار و بحران و بازهم بحران همچنان ادامه خواهد یافت. اول ماه مه روزی

است تا در صفی جهانی به این معضل پاسخ دهیم و پاسخ در وهله اول سیاسی است. باید برای خلع ید سیاسی از برده داران و بدست گرفتن سرنوشت خود به میدان بیاییم. همه خواست های سنتی در اول مه از کاهش ساعت کار تا بیمه بیکاری و تامین بهداشت و دستمزد شایسته زندگی انسانی تا آزادی تشکل و اعتصاب و آزادی های سیاسی همه برای ما حیاتی است، اما اول مه امسال بر سر مسائل بنیادی تری است. بر سر تعیین تکلیف با نفس حاکمیت سرمایه داری و بردگی مزدی و دولتهای آن بر جهان است. سرمایه داری باید برود. سوسیالیسم تنها پاسخ واقعی به معضلات جهان است. این را دیگر خیلی ها میگویند. اما اولین گام در سوسیالیسم خلع ید سیاسی از بورژوازی و بدست گرفتن قدرت

سیاسی و اختیار جامعه توسط کارگران و مردمی است که نفعی در بردگی و استثمار ندارند. لذا مضمون اصلی روز جهانی کارگر امسال عبارت است از ایجاد آمادگی برای دخالت همه کارگران و مردم محروم در سرنوشت سیاسی جامعه و مبارزه برای خلع ید سیاسی از بورژوازی و همه دزدها و شارلاتانها و عوامفریبانی که وضع فعلی را بوجود آورده اند.

در ایران جایی که رژیم اسلامی سرمایه در یک بحران همه جانبه و مزمن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسر می برد، هرگونه بهبود جدی و پایدار به نفع مردم بطور عینی در گرو به زیر کشیدن رژیم حاکم بورژوازی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی است. اول ماه مه (برابر با یازده اردیبهشت) فرصتی است تا کارگران و همه مردمی که از

جمهوری اسلامی به جان آمده اند، بیزاری خود از رژیم آیت الله های میلیاردر و عزم و اراده خود برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی ضد زن، ضد شادی و ضد آزادی را به نمایش بگذارند. حزب کمونیست کارگری در پیشاپیش طبقه کارگر و مردم آزاده میکوشد تا روز جهانی کارگر را چه در ایران و چه در جهان به روزی برای پیشروی هرچه بیشتر صف آزادی و برابری، صف رفاه و شادی و سوسیالیسم، به روزی برای افشا و انزوی هرچه بیشتر جمهوری اسلامی و فراهم کردن مقدمات سرنوشتی آن به نیروی انقلابی کارگران و مردم تبدیل کند.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر
زنده باد همبستگی کارگران سراسر جهان
مرگ بر سرمایه داری،
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آوریل ۲۰۰۹، ۱۳ فروردین ۱۳۸۸

از صفحه ۳ اول مه ...

در تهران در خیابانهای انقلاب و آزادی و مقابل وزارت کار و تامین اجتماعی رژیم و مقابل دانشگاه و نیز در مراکز اصلی شهرهای مختلف، ما شاهد تجمعات اول مه و مارش کارگران در گرامیداشت این روز بوده ایم. امسال نیز وعده ما در مقابل وزارت کار و ادارات کار این رژیم و در خیابانهای تهران و مراکز اصلی شهرها خواهد بود. اول مه خیابانها از آن ماست. اول مه را وسیع و سراسری و در تمام شهرها برگزار کنیم.

بار دیگر شعار زیبایی که دو سال پیش در چنین روزی بدست گرفتیم و اعلام کردیم "ما کار میکنیم که زندگی کنیم، زندگی نمیکیم که کار کنیم" را بدست بگیریم و کیفرخواست خود را اعلام کنیم. همچنین اعلام کنیم که سرود انترناسیونال، سرود مارش راهپیمایی ما در اول مه خواهد بود. سرودی شناخته شده در جامعه ایران که در خاوران و در اول مه ها و هشت مارس ها آنرا پخش کرده اند. سرود همبستگی جهانی کارگران که بیان زیبایی اعتراض به جهانی وارونه است و امروز رساتر از هر وقت داریم این فریاد را در جهان میشنویم، سرود مارش اول مه ما خواهد بود.

اول ماه مه روز اولتیماتوم ما

اول مه باید با خواستههای مشترکمان، با قطعنامه هایمان اعتراض خود را به این رژیم جنایتکار اعلام کنیم. اولتیماتوم بدویم و بگویم که خط فقر را نمی پذیریم. دستمزدهای پرداخت نشده مان را از حلقومتان بیرون

شکنند و صف متحدشان را در هم شکنند. همینطور منصور اسانلو و ابراهیم مددی از کارگران شرکت واحد در زندانند و برای ۶ نفر از دیگر کارگران سندیکای کارگران شرکت واحد احکام زندان صادر کرده است. در عین حال در حال حاضر تعدادی از دانشجویان و زنان و مردانی که علیه تعرضات این رژیم و قوانین ارتجاعی اسلامی اش مبارزه کردند در زندانند. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد باید یک شعار مهم اول مه امسال باشد. علی نجاتی و همه کارگران و دانشجویان و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. خواست آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی یک بند مهم قطعنامه های ما در اول مه امسال خواهد بود.

در آخر اینکه ما در خارج کشور نیز به استقبال اول مه میرویم. بویژه در جهانی که دنیای سرمایه داری دارد رسماً سرگردانی خود را اعلام میکند، بحران جهانی زندگی میلیونها انسان را نشانه رفته است و ما شاهد اعتراضات گسترده مردم

میکشیم و اگر طلبهایمان را فوراً نپردازید با اعتراضات سراسری ما روبرو خواهید شد. بگویم در برابر اخراج ها می ایستیم و کوتاه نمی آییم و بگویم خط رفاه و نه خط فقر، و به کمپینی که هم اکنون کارگران با خواست در گام اول یک میلیون دستمزد برپا کرده اند، کمپینی که به ابتکار سندیکای کارگران شرکت واحد و اتحاد آزاد کارگران ایران برپا شده و تا کنون بیش از پانزده هزار امضا حول آن گرد آمده است، پیوندیم.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

یک شگرد شناخته شده جمهوری اسلامی تهدید و فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری اس، تا جنبش کارگری و کل جامعه را از مبارزاتش عقب براند. هم اکنون علی نجاتی از رهبران کارگران نیشکر هفت تپه و رئیس هیات مدیره سندیکای آنان در زندان است و از او خبری در دست نیست. جمهوری اسلامی او را در زندان نگاهداشته است تا تشکل کارگران نیشکر هفت تپه را در هم

در کشورهایی چون آلمان و فرانسه و انگلیس هستیم و در خیلی جاها زمزمه این اعتراضات به پاست، اعتراضاتی که امروز دارد سوسیالیسم و مارکس را فریاد میزند و تشنه انسانیت است، ما به تدارک اول مه میرویم. ما در این روز در کشورهای مختلف در خارج کشور با شعار های زنده باد سوسیالیسم و با عکس مارکس به خیابانها خواهیم رفت و اعلام می کنیم که ما کمونیستها پاسخ جهان وارونه امروز را داریم. ما همچنین تلاش میکنیم که توجه جهانیان را به مبارزات چپ و رادیکالی که در ایران در جریان است جلب کنیم و نشان دهیم که سرنوشتی جمهوری اسلامی، گام مهمی در امنیت منطقه و جهان خواهد بود و جهان را به همبستگی با مبارزات کارگران و مردم ایران فرا میخوانیم. حرف ما در سطح جهان اینست که جمهوری اسلامی باید از تمامی مراکز بین المللی اخراج شود. جمهوری اسلامی این رژیم سرکوب و جنایت و ضد انسان را باید در سطح جهانی محکوم کرد. ما با این استراتژی و با این تصویر است که به استقبال اول مه میرویم. زنده باد اول مه روز همبستگی جهانی کارگر *

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

شهر فرانکفورت را شهر سرخ نامیدند

گزارشی کوتاه از تظاهرات علیه سرمایه داری در فرانکفورت آلمان

* زنده باد انقلاب سوسیالیستی
* بحران اقتصادی را خودتان ساختید
خودتان هم باید جوابگو باشید!
* ما مسئول خرابکاریهای شما

جوانان پر شور و انقلابی و چپ که
هیچ قدرتی جلو دارشان نبود شهر
فرانکفورت را به لرزه در آورده
بودند.
علامت پیروزی و موفقیت دست
تکان میدادند.
مورد دیگری که فوق العاده
مورد توجه قرار گرفت عکس



شعارهای شهر فرانکفورت:

زنده باد انقلاب سوسیالیستی

**بحران اقتصادی را خودتان ساختید
خودتان هم باید جوابگو باشید!**

ما مسئول خرابکاریهای شما نیستیم!

**به هیچ حزبی که در قدرت
هست، به هیچ یک از سران اتحادیه
ها که خود در ساختن این بحرانها
دست دارند دیگر اجازه نخواهیم داد
که با زندگی ما بازی کنند!**

**ناسیونالیسم و سرمایه داری هر دو
کثیف هستند!**

اکنون زمان یک انقلاب سوسیالیستی است!

زنده باد انقلاب زنده باد انقلاب!



نیستیم!
* به هیچ حزبی که در قدرت
هست به هیچ یک از سران اتحادیه
ها که خود در ساختن این بحرانها
دست دارند دیگر اجازه نخواهیم داد
که با زندگی ما بازی کنند!
* ناسیونالیسم و سرمایه داری هر دو
کثیف هستند!
* اکنون زمان یک انقلاب
سوسیالیستی است!
* زنده باد انقلاب زنده باد انقلاب!

این تظاهرات از طرف
جریانات مختلف از جمله احزاب
چپ و اتحادیه های آلمانی
فراخوان داشته بود ولی از چند روز
قبل از تظاهرات صف های نیروهایی
که خواهان یک انقلاب سوسیالیستی
بودند و کسانی که خواهان رفم بودند
از هم جدا شدند. این تمایز چشمگیر
بود....

در مسیر تظاهرات، همینکه
صف تظاهرات از مقابل انبوه
کارگرانی که در بالای ساختمانی
بلند مشغول کار بودند
میگذشت، کارگران دست از کار
کشیدند و از آن ارتفاع بلند برای
تظاهر کنندگان دست میزدند و به

اینها شعارهای تظاهرات با پرچم
های سرخ در شهر فرانکفورت در
روز شنبه ۲۸ مارس بود.
مردم خشمگین و ناراضی،



**عکسهایی
از تظاهرات لندن
در مقابله با
اجلاس
گروه
بیست**

صدای مردم در کانال جدید

**پیش بسوی
اول ماه مه قدر تمند**

برنامه ای از شهلا دانشفر

سلام خانم دانشفر، سال نو را بهتون تبریک میگم. میخوام بگم که همه ما کمونیستها حزب خودمون را انتخاب کردیم و هر لحظه حاضر به مقابله با این رژیم ضد بشر هستیم و امیدوارم که امسال در اول ماه مه با همبستگی و اتحاد بر ضد این رژیم جنایتکار بیاخیزیم و بیاییم توی خیابونها و صدا و ضدیتمون با این رژیم را به همه دنیا برسونیم. امیدوارم که سال ۸۸ سال نابودی این رژیم جمهوری اسلامی باشد. بیشتر از این مزاح نمیشم، تا بعد. مردی از ایران

سلام. من خواهشی که از شما دارم به مردم ایران بگین که روز سیزده بدر ملت بیان بیرون و صحبتهاشونو بکنند. دسته دسته بیان بیرون و دم دانشگاه و میدون آزادی و توی پارکها تظاهرات کنند و بززند و برقصند و شادی کنند و باید این رژیم رو سرنگون بکنند و ریشه این آخوندهای مزدور را برارند. آخه تا کی دیگه تحمل کنیم؟ یک مریض رو قبل از پرداختن پول در بیمارستان بستری نمیکنند و دکتر بالا سرش نمیداد! آخه این زندگی نشد که. خانم دانشفر از شما خواهش میکنم که بگید روز سیزده بدر بیان بیرون حرفهاشونو بززند و درداشونو بگن. باهم دیگه دسته جمعی صد نفر صد نفر آقاییون و خانمها، پیر و جوان بیان بیرون که الان بهترین موقع است. روز پنجشنبه نرود سر کار، کارمندان بانکها و بیمارستانها و کارگران. در مورد روز کارگر چی بگم که کارگر مرده است، حقوقی ندارد که زندگی کند، در این مملکت گوشت استخون دار و غیر استخون دارش کیلو ده هزار تومان هست! یک فرد کارگر با این وضع دیگه مرده، هیچ کاری نمیتونه بکنه! از دست تنها کارگر دیگه کاری برنمیداد، باید همه مردم کمک کنند و همگی بیرون بیان. مردی از ایران

سلام خانم دانشفر. درود بشما و حزب کمونیست کارگری. دشمن کارگر دشمن انقلاب است. سال ۸۸ باید

سال نابودی و فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی باشه و سال تشکیل جمهوری سوسیالیستی ایران باشه. درود بر حزب کمونیست کارگری. مرگ بر جمهوری اسلامی. مردی از ایران

الو سلام، ببخشید من کارگر ساختمان هستم و با بدبختی کار کردم و برای خودم یک زنجیر طلا خریدم ولی داشتم میرفتم سر کار که بمن گیر دادند و گفتند: مگر نمیدونید که در اسلام زنجیر طلا برای مرد حرام است و زنجیر طلای مرا گرفتند! گفتم که باشه بدین بخودم دیگه نمیندازم گردنم، ولی گفتند: کاغذ خریدش را بده ببینیم. کاغذ خریدش را دادم و گفتند: این دیگه ضبط شده و جزو اموال دولت شده! ممنونم خداافظ. کارگر ساختمان

خسته نباشید خانم دانشفر. اون آقایی که از طرف مردم گفت همه راضی اند، بالانسیت بی خود کرد که اینجور گفت. از کی پرسیده؟ آیا از من پرسیده؟ من از دست این رژیم خیلی هم ناراضیم. واقعا منو بدبخت کرده، بیچاره کرده، دریدر کرده، و البته نه فقط منو بلکه اکثر مردم زحمتکش جامعه رو بدبخت کرده. ما بدبخت بیچاره از دست این آخوندها بتنگ اومدیم. آخه ما چه گناهی کردیم؟ در مورد روز کارگر هم اون آقا خوب حرف زد، بله روز ما کارگران هم خواهد رسید. دستتان درد نکنه. مرد کارگر از ایران

با سلام و تبریک سال نو بشما. از خوزستان تماس میگیرم و میخوام در رابطه با اول ماه مه چند کلمه صحبت کنم. روز کارگر روز خیلی مهمی هست و من بنویسه خودم هرکجا که کارگران تظاهراتی داشته باشند فعالانه شرکت میکنم. بعنوان یک انسانی که میبینم که حق کارگر و حق معلم در این کشور پایمال شده و یک ویلاگ نویس ساده را میگیرند و زندانی میکنند و جسد و جنازه اش رو میدن بیرون! وقتی در کشور آزادی نباشه خوب آدم میاد با کانال جدید صحبت میکنم. این ویلاگ نویس هم یگ جنین کاری کرده بود ولی کشتند ولی گرفتند و

جنازه اش را دادند بیرون. من بعنوان یک ایرانی هرکجا که ببینم کارگران در روز کارگر تظاهرات دارند به اونها میپیوندم و فعالانه شرکت میکنم و از همه ملت میخوام که از خواسته های کارگران و معلمین و دانشجویان صمیمانه دفاع کنند، درواقع از حق خودشون دارند دفاع میکنند چونکه ما در این آب و خاک حق داریم و باید از حق خود دفاع کنیم چونکه زنده ایم و باید باشیم. کشور ما یک کشور ضعیفی نیست و کشور فقیری هم نیست. از همه میخوام که هرجا جشنی بود و تظاهراتی بود شرکت کنند و من خودم بشخصه در تظاهرات کارگران اهواز حتما شرکت میکنم. خیلی ممنون از برنامه های خوبتون. زنی از اهواز

سلام عرض کردم خانم دانشفر. من اصلا میخوام بفهمم که «بیکار سازی» یعنی چی؟ آیا وقتی که یک کارخانه ای کارگران رو بیکار میکنه معنی اش اینست که همه کارهای جامعه انجام شده است و همه خیابانها اسفالت شده هست؟ آیا یعنی همه مردم دوره تحصیلات و تخصصشان را گذرانده اند و دکترایشان را گرفته اند و همه خونه ها ساخته شده و همه ماشین دارند و حالا دیگه آدمها کم کم باید بیکار شوند؟ آیا معنیش اینه؟ آخه تا زمانی که مردم گرسنه هستند و تازمانی که مردم خونه ندارند، تا زمانی که خیابونها اسفالت نیست، لوله کشی آب و گاز نیست برای چی باید کسی را بیکار کنند؟! این یک سیستمی هست که هنوز میلیونها نفر بی غذا دارد و میلیونها جوان هنوز دوره تعلیم و تربیت ندیده اند و دکتر ندارند و بیمارستان ندارند و دوا ندارند اونوقت کارگران این مملکت را بیکار میکنند. این یعنی یک سیستم ضد انسانی و ضد بشری. زمانی که کارگران قدرت بگیرند، زمانی که مردم برهبری حزب کمونیست کارگری قدرت بگیرند اونوقت تا زمانی که یک شکم گرسنه باشد و تا زمانی که یک نفر بی خانمان باشد و تا زمانی که به دکتر و درمان نیاز باشد اساسا هیچکس بیکار نمیشود. اما این رژیم میگه ما پول نداریم! خوب اگر پول ندارند پس چرا به پاسدارها پول میدن و چرا به آخوندها پول میدن که در عمرشون حتی یک دونه خونه

هم نساختن.

چرا پولها را میدن به ساختن مساجد و چاپ قرآن و تسبیح و اینهمه خرافات؟ اینها پول را برای اینجور جاها خرج میکنند ولی وقتی که به کارگر میرسد که نان شیش را ندارد بهش میگن: آقا تو دیگه بیکاری برو پی کارت! من فکر میکنم که جمهوری اسلامی یک سیستم ضد انسانی هست و باید سرنگون بشه و راهش هم اینه که مردم متشکل بشن و به رهبری این حزب رژیم رو بندازند. برای اول ماه مه از همین الان مردم باید شعار نویسی کنند و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد حزب کمونیست کارگری بخوابانها بیایند و در یکجای مشخصی همه کارگران و بیکاران و معلمین و همه جمع بشند و در یکی از همین روزها این سیستم را باید سرنگون کرد. روز اول ماه مه روز خوبی هست و هرچه زودتر باید ضعیف بشه و سرنگون بشه تا این بدبختی برای همیشه تموم بشه.

مردی از ایران

خانم دانشفر از تبریز زنگ میزنم. من در گونی بافی کار میکنم حدودا ۴۵-۵۰ نفر هستیم و چند ماه است که حقوق ما رو ندادند هنوز. حقوقهای ما رو ندادن و عیدی ما رو ندادن و پایان کار ما رو ندادن. آخه پس کی میخوان اینها آدم بشن؟ الان شب عیدی من به زن و بچه ام چی بگم؟

یک کارگر گونی بافی از تبریز

خانم دانشفر سلام. من میخوام به حزبتون پیوندم. شهلا خانم درود به شرفتون. فقط خواستم از برنامه هاتون تشکر کنم. مردی از ایران

خانم دانشفر سلام. من یک راننده تاکسی هستم و از همدان زنگ میزنم. خواستم بگم تمام مسافرها از رژیم ناراضیند و از بدبختیهاشون حرف میزنند. راننده ای از همدان

با اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران برنامه ای از اصغر کریمی

الو سلام آقای کریمی. من اوایل اصلا به برنامه های شما که نگاه میکردم زیاد توجه نمیکردم و زیاد تو

بحرش نمیرفتم ولی این چندوقتی که دقت کردم دیدم حرفهای بدی نمیزند و الان دیگه چند وقتی هست که دیگه خوشم اومده و مرتب نگاه میکنم مخصوصا صحبت کردنتون و اقتدار کلامتون از اون هدفی که میخواید بهش برسید برام جالب بوده. دوستتون دارم آقای کریمی. من در تهران در منطقه ای هستم که از اجتماع کمی بیرون هستم و کارگرم و متاسفانه از هم منطقه ای هام خبری ندارم.

کارگری از تهران

سلام آقای کریمی. امیدوارم حالتون خوب باشه؟ مرسی حال ما هم خوبه و زیر سایه دوستانی مثل شما خوبیم. میخوام نکته ای راجع به حجاب بگم که بعضیها میان دفاع میکنند. بنظر من حجاب دیوار بی اعتمادی بین پسر و دختر است. حجاب توهین به انسان است. حجاب نه تنها فساد را کم نمیکند بلکه بیماری روحی و جسمی را دامن میزند و بدلیل عدم اعتمادی که میسازد بصورت طبیعی از لحاظ روحی خودخوری بوجود میآورد بخصوص باوجود حجاب، و آنوقت انتخاب همسر بطور آگاهانه ممکن نمیشد و اکثر انتخابها و ازدواجها به ناکامی منجر میگردد، و اگر نیازهای مادی و روحی بخصوص نیازهای جنسی انسان تامین نگردد آنوقت انسان از نظر معنوی نمیتواند آزاد باشد و بتکامل برسد. بنابراین هرگونه وابستگی آزادی انسان را سلب خواهد کرد. امروز هرگونه فقر و فسادی که موجود است محصول نظام سرمایه داری میباشد و مذهب هم بهترین وسیله آنست. زنده باد آزادی و برابری. درود بر کمونیست کارگری.

مردی از آذربایجان

سلام. خواستم بگم که تا کی باید ما توی فقر زندگی کنیم؟ پنجاه سال سن دارم و بچه دانشجو دارم. مردی از ایران

آقای کریمی سلام. ایران دیگه ایران نیست. اینها فقط جوانان ما رو دارند میکشند و نابود میکنند. زنی ایرانی

الو سلام. من ازکانادا صحبت میکنم. ما در یک دنیای نابرابری صفحه ۱۱

از صفحه ۱۰ صدای مردم در کانال جدید ...

داریم زندگی میکنیم که هیچ چیزش عاید ما نمیشه. خطاب من به مردم ایران است. در دنیای نابرابر باید دروغ بگیم و باید به مردم خیانت کنیم و باید حق دیگران رو بخوریم و باید هر خصلت و روش و چیزیهایی غیر انسانی داشته باشی تا بتونی رفاه داشته باشی و توی آرامش زندگی بکنی و اونوقت بتونی هر چیزی در جامعه داشته باشی. ولی من فکر میکنم که درصد خیلی زیادی از مردم نمیتونن واقعا به مردم خیانت کنند و پا بذارند روی حق مردم و حق مردم رو بخورند. بنابراین ما فقط در دنیای برابر و آزاد میتونیم به رفاه و آسایش برسیم لذا باید برای رسیدن به برابری تلاش بیشتری کنیم. میخواستیم به اون آقایی که گفتند: چرا به مقدسات مردم توهین میکنید بگم که ما توهین نمیکیم اتفاقا ارزش و احترام خاصی به انسانها قائلیم و برای همین است که داریم تلاش شبانه روز میکنیم برای رسیدن به برابری و آزادی و رفاه و آرامش و انسانیت و انداختن حکومت مذهبی. بنظرم ریشه تمام نابرابریها در اسلام است و ریشه تمام بدبختیها در مذهب است ولی اون آقا اسلام را نشناخته بود. کسی بتو نگفته که نماز نخون و مذهب خصوصی ات را نداشته باش! ولی عزیزم در ایران نگاه کن ببین چقدر بچه خیابونی میبینی و چقدر زن تن فروش میبینی، همه اینها ریشه اش در اسلام است، اسلامی که داره سرمایه داری رو پرورش میدهد. یکی اطرافمون را نگاه کنیم و مسائل رو سطحی نبینیم و فورا نگیم که اوکی طرف داره به مذهب توهین میکنه، اتفاقا ما باید مذهب را له و لورده کنیم و از حکومت عزلش کنیم تا بتونیم به دنیای برابر برسیم.

زنی از کانادا

سلام آقای کریمی. بنظر من هم تمام فسادها در اسلام هست فقر و بدبختی و دروغ و فحشا و دزدی و چپاول همه اینها در اسلام هست. مذهب را واقعا باید ریشه کن کرد. خیلی ممنون خدافظ.

مردی از ایران

سلام آقای کریمی. من مردی ۵۶ ساله ام و ۲۵ سال در صنایع مواد

شیمیایی کار کردم و از سال ۸۱ بیرون کردند و به هر گانی که رفتم هیچکس جوابی بمن نداد و الان شرمند زن و بچه ام هستم یعنی دیگه بریدم! ما باید نابود کنیم این جمهوری اسلامی آخوندها رو. کارگر بیکار از ایران

الو سلام آقای کریمی. من یک مارکسیست لنینیست هستم و از ۱۴ سالگی مبارزه ام را شروع کردم. منو بارها گرفتند و شکنجه کردند و خواهرم هم در زمان شاه شکنجه شد و برادرم همینطور و ما رو بارها بردند تا از ما اقرار بگیرند که هرگز اقرار نکردیم و هنوز هم مارکسیست لنینیست هستم و من شاگرد خسرو گلسترخی هستم. آقای کریمی من هر زمانی یک کمونیستم و دست شما رو میفشارم و بدویند که کمونیسم از بجگی در خون من هست و در رگ من هست مگر اینکه مرا تیرباران بکنند و منواز بین ببرند. مردی از ایران

الو درود به اصغر کریمی. منم میخوام نظرم را در مورد مذهب بیان کنم. الان برای مردم ایران موضوع سر این نیست که به مذهب شخصی کسی توهین کنند و علیه اعتقادات دیگران حرف بزنند بلکه موضوع اینست که امروز مذهب سی سال است که در حکومت است و معلوم است که چه کاری داره انجام میده و داره منافع چه کسی را دنبال میکنه. الان تمامی کسانی که دارند صدای ما را میشنوند و معتقدند که داریم به اعتقادات اونها توهین میکنیم واقعا عمیقتر فکر کنند که این مذهب داره چه بلایی سر مردم ایران میاره و این اعتقادات شخصی از طرف چه کسانی داره دفاع میشه و ساپورت میشه و این موضوع در ایران واقعا یحلی ملموس هست که آدمها بیکار نشستند که عقاید شخصی مردم را بنقد بکشند بلکه این گره خورده به ریشه نظام اقتصادی جامعه که سرمایه داری چطور از این موضوع بنفع خودش استفاده میکنه و همه نظرات و نقدها رو سرکوب میکنه و باعث عقب نگهداشتن جامعه شده و بخشی از زنان را به این ترتیب عقب رونده اند و کلا جنایتی که امروز در ایران توسط مذهب صورت میگیره خیلی ملموسه که از

کجا آب میخوره که حالا بعضیها میان اینرو به مسئله اعتقاد شخصی و مقدسات و اینها وصلش میکنند. بنظر من باید روی این تاکید بشه چراکه خیلی موضوع پایه ای و مهمی است و همه کسانی که صدای ما رو میشنوند یکبار عمیقا به این موضوع فکر کنند. امروز دقیقاً با همین اعتقادات شخصی اونها مشکلات ما شده فقر و گرسنگی و غیره و غیره. بنظر من نه تنها راه حل جامعه ایران بلکه تمام دنیا فقط سوسیالیسم است بویژه در ایران که سرمایه داری به انواع و اشکال کیف و جنایت پیشه اش داره در ایران حکومت میکنه و تمامی مشکلات ما از مسئله زنان گرفته تا کودکان و غیره همه اش با برچیدن سرمایه داری حل میشود.

زنی از ایران

آقای کریمی سلام. واقعا در مملکت ما خیلی از مردم بیچاره اند و نان شب را ندارند بخورند ولی یک اقلیتی میلیاردها میلیاردها بچیب زدنند. در این مملکت داریم زجر میکشیم و ما واقعا خیلی بیچاره ایم و تنها راهش اینه که بریزم توی خیابون و این نظم را بهم بزنیم. مردی از ایران

من میخوام جواب اون آقا رو بدم که فدرالیسم برای کشور ایران اصلا خوب نیست. فدرالیسم چیزی است که بین خلقها و ملتهای ایران تفرقه میندازه. یعنی فردا بین کردستان و آذربایجان سر آب و زمین دعواست و در خوزستان هم بین عرب زبان و فارس زبان دعواست، بلکه در درجه اول انسانیت و هویت انسانی خویست که باید در تمام کشور يك اصل باشه. آقایی هم گفتند: خود ملت ایران این انقلاب را خواستند. بله من تردید ندارم که ملت ایران خواستند و سال ۵۷ در خوزستان که من از آنجا هستم کارگران پالایشگاهها و پتروشیمی حتی بعد از انقلاب هم اعتصاباتشون هنوز ادامه داشت و خود نخست وزیر حاکمیت اونزمان یعنی بازرگان گفت که ما باران میخواستیم سیل اومد! بعدش هم آقای خمینی بازرگان را فرستاد به خوزستان تا کارگران را سرکوب کنند، و کارگران خواسته داشتند و اگرچه انقلاب پیروز شده بود ولی کارگران پتروشیمی هنوز خواسته داشتند. این برادر ما که زنگ زدند

حتما سنشان کوچک است و اطلاعی از تاریخ نداره و باید بره تاریخ را قشنگ مطالعه کنه. فدرالیسم هم بدر کشور ما اصلا نمیخوره. خیلی ممنون از برنامه های خوبتون. زنی از خوزستان

سلام علیکم. من خانم انوشی هستم سلام میکنم. من زن هفتاد و چند ساله ام با دو دختر یتیم. من اونقدر در زندگی سختی کشیدم که خدا میدونه که فقط دلم میخواد بمیرم. شام و نهار که ندارم و یه دونه نون میخورم و نفری یک سیب زمینی هم میپزم با این دو تا دختر یتیم میخوریم. تو را خدا یه کاری کنین و ما رو از دست و چنگال این بیشرافها نجات بدین. آخه ما منع نفتیم و نمیدونم اورانیومیم و هزار کوفت و زهر ماریم چرا ما باید اینقدر بیچاره باشیم! آقای کریمی خواهش میکنم از شما مگر یه کاری شما برای ما بکنید و نجاتمون دهید. مادر هفتاد و چند ساله از ایران

خوشی شما در سیزده بدر، عزای رژیم

برنامه ای از مینا احدی

سلام مینا جان. سال نو را تبریم میگویم. جمهوری اسلامی تا اینجا شدیداً مخالف چهارشنبه سوری و عید و اینجور جشن ها بوده ولی در چهارشنبه سوری که گذشت خیلی مردم را نمیتونه بگیره و الان تقریباً کاری نداره و عقب نشسته. خیلی ممنون از برنامه تون. مردی از ایران

سلام خانم احدی. من از کردستان زنگ میزنم. اینها از چند روز پیش از بوکان نیرو آوردند و در سنجند مستقر کردند و نشون میدن که چقدر از جشن و شادی مردم میترسند و از جشن چهارشنبه سوری حسابشون رو بردن. خسته نباشید و موفق باشید. ما هم حسابی برنامه سیزده بدر داریم.

مردی از کردستان

سلام خانم احدی. شما سمبل شیر زن ایرانی هستید، به جوهر شما، به استواری شما، به استقامت والای شما واقعا افتخار میکنم. شما الگوی خوبی، هم برای زنان کمونیست ایران و هم برای مردان

کمونیست ایران هستید و این برنامه های شما داره در ایران به یک فرهنگ و فکر جدیدی تبدیل میشه و زنها از مبارزات سی ساله شما دارن الگو میگیرند و خودبخود بدون اینکه از نزدیک با شما بوده باشند و شما رو بشناسند دارن اهداف شما را در مبارزاتشون دنبال میکنند و کارهای زیادی انجام میدهند و دارن فرهنگ حزب کمونیست کارگری را ترویج میدن. در خونه ها و در صفوف آخوندهای مرتجعی که تا دیروز اسید میپاشیدند و با پونس حجاب میچسبوندند بر سر زنان امروز دیگه بحث حزب کمونیست کارگری مطرح است و امروز مسائل کمونیستی در محافل سران رژیم و جامعه مطرح هست و من میبینم که این اعمال داره صورت میگیره و بسرعت هم داره صورت میگیره و خیلی سریع هم داره صورت میگیره. من به وجود حزب کمونیست کارگری افتخار میکنم و به وجود شما افتخار میکنم که اینقدر وجدان انسانی و مبارزه دارید و شجاعانه مبارزه کردید و مبارزه را به یک مرحله سطح بالایی رسانید.

مردی از شیراز

سلام خانم مینا احدی. ما برای سیزده بدر برنامه های زیادی داریم در سنجند و من و همسرم و خانواده و دوستانمون بیرون خواهیم رفت و من و همسرم با دخترانمون در نظر داریم که حجاب بسوزانیم و موسیقی خواهیم داشت و انشالله اگر تونستم فیلمش را هم میگیرم و برایتان میفرستم.

مردی از سنجند

خانم احدی سلام. مرسی از برنامه های خوینتان. ما از طرفداران حزب کمونیست کارگری هستیم و به همه شما ارادت داریم و درود بر منصور حکمت.

مردی از کردستان

سلام خانم مینا احدی. خاطر شما برای ما بسیار عزیز و بسیار محترمه و شما پرچمدار آزادی و برابری هستید و الگوی مبارزه برای ما خانها هستید و واقعا صدای شما صدای حق طلبی ما زنان و انسانهاست. زنانی که حجاب سر میکنند و میرن جلوی دادسرا میشینند و زمانی که من خودم

از صفحه ۱۱ صدای مردم در کانال جدید ...

گزارش تهیه می‌کردم می‌دیدم که مرد خانواده میگفت: من نه اینو می‌خوام و نه بچه هاشو می‌خوام! و با یک تحقیر عجیبی برخورد می‌کردند، و شما صدای حق طلبانه این زنهارا بلند می‌کنید و ما واقعا به شما افتخار می‌کنیم و امیدوارم که شما همیشه سالم باشید و درد و بلاتون بخوره توی سر اونهایی که حق زنهارا رو پایمال می‌کنند و چنین مردانی اینجور به زنانمون توهین و ظلم می‌کنند و قانون جمهوری اسلامی هم از اونها حمایت می‌کنه. من میتونم و می‌خوام با شما همکاری بکنم و یک چیزهایی تهیه کردم منتها اونقدر مواردش زیاد هست که پشت تلفن نمیتونم بگم ولی سعی می‌کنم یه جوری براتون بنویسم و به‌همراه عکسها ارسال کنم. پیروز و موفق باشد و یکبار دیگر میگم که من بوجود شما افتخار می‌کنم. زنی از ایران

سلام خانم مینا احدی عزیز. خیلی خوشحالم که شما را می‌بینم بعنوان الگوی زن مبارز آزادیخواه و برابری طلب ایران. سیزده بدر برای همه ما از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی خاطرات زیادی داشته و دارد و بازهم در جوانی آینده مان روزهای شاد و خوشی خواهیم داشت و صحبت در باره سیزده بدر طبعاً با کلی خوشی و جوك گفتن و خندیدن و رقصیدن گپ زدن و شادی کردن همراه است بویژه از این نظر که بزرگ و کوچک و زن و فرد فرقی نمی‌کنند و همه بشادی می‌پردازند و این درست نکته مقابل و مورد ضعف رژیم کثیف و منفور جمهوری اسلامی هست، و اینکه مجری امروز این برنامه شما بعنوان يك زن هستيد دقیقاً انتخاب درستی بوده چونکه محرومیت از چنین شادی و جشن و سروری برای زنان کاملاً روشن و واضح است آنهاهم بخاطر اینکه تمامی مردان مردسالار که از طرف جمهوری اسلامی حمایت میشوند. اینها همیشه زن را بطور چادر دور کمر بسته و حجاب درست کرده و درحال بهم زدن آش رشته و نمیدونم باقالی پلو و غیره برای آقایون شکم گنده آماده کرده اند و سعی می‌کنند که سیزده شان را هم اینجور بدر کنند و دیگر نمی‌گذارند که این زنان فوتبالی و والیبالی بازی کنند و آزادی داشته باشند بلکه فوق فووش می‌خواهند که زنتشان با زنان

خواهیم کرد. (قطع شد)
زنی از ایران

سلام. خسته نباشید. فردا می‌خواهیم بریم بیرون و برقصیم و شادی کنیم و جشن بگیریم.
مردی ز قزوین

سلام خانم احدی درود بر شما. منمهم سال نو رو بشما تبریک میگم و امیدوارم که امسال صدای شما همچنان مثل سالهای گذشته و بلند تر از اون بگوش ما برسد. از سخنرانی باشکوهتان در سوئد تشکر می‌کنیم و ما واقعا در خونه ضمن گوش کردن به سخنرانی شما براتون هورا می‌کشیدیم و بدونید که صحبتهایی که درواقع درد و حرف همه ما زنان بود وقتی بگوش خیلی از ماها می‌رسه براتون هورا می‌کشند. من به همه دوستانم توصیه کردم که اون سخنرانی را بشنوند چراکه سخنرانی ویژه ای بود که بزبان روشن و با نقد محکمی به تمامی ابعاد مشکلاتی که جمهوری اسلامی برای ما زنان درست کرده پرداخته بود و بهرحال از اون سخنرانی که برای ۸ مارس کرده بودید بسیار تشکر می‌کنیم. فردا سیزده بدر را مثل ۸ مارس و چهارشنبه سوری جشن خواهیم گرفت و در خانواده خودمون که حداقل سی چهل نفر هستیم و البته نمی‌خوام بگم که همه شون طرفدار حزب هستند ولی لاف‌ل همه شون کانال جدید را میشناسند و به درستی حرفهاش اعتقاد دارند و قبول دارند ولی اینکه کی و چطور اجرا خواهد شد و عملی خواهد شد شاید تردیدی وجود داشته باشند ولی بهرحال مثل چهارشنبه سوری که ما خیلی خوب برگزار کردیم و برخی از دوستان و فامیلم میگفتند که سالها بود که می‌خواستیم روسری از سرمون برداریم اما نمیشد ولی امسال تونستیم برداریم و آتیش بزنییم و یکی از دوستان کم مونده بود که خودش هم بیافته توی آتیش که خود اینهم باعث خنده و شادی ما شده بود و البته اینهم که چندانایی از ما تونستیم اینکار را بکنیم بخاطر همراهی مردان خانواده بودند. يك نکته هم به اون خانم جوانی که میگفتند: حجاب باعث میشه که بنیاد خانواده حفظ بشه، باید بگم که قوانین این دنیا را برای مردها ساخته اند لذا اکثرا از این زاویه دارند نگاه می‌کنند که

بینند مردها چه نظری دارند و چه احساسی دارند. اگر ورق برمیگشت و قوانین را بر وفق مراد زنان می‌ساختند اونوقت شاید به عمق موضوع بهتر پی میبردند بنابراین می‌خوام بگم که ما خواهان يك دنیایی هستیم که نه برپایه مرد سالاری و نه زن سالاری باشد بلکه خواهان برقراری دنیای انسانی هستیم که نه مردها خودشان را محدود کند و نه زنهارا خودشان را محدود کنند، و اساسا اگر قرار هست که مردی که همسر شما هست با دیدن يك خانمی بدون حجاب احساسش برای شما ضعیف بشه چه بهتر که این ارتباط اساسا از بین بره. لذا اینجور که اون دختر خانم دانشجو نگاه می‌کردند درست نیست. بهرحال مثل چهارشنبه سوری امیدوارم که سیزده را هم که کلا چنین روزهایی باید زنده برگزار بشه همه مردم با استقبالش بروند و با شادی و سرور تمام دور هم باشند و برقصند و شادی کنند و جشن بگیرند و بقول معروف سیزده را بکوری چشمان جمهوری اسلامی با شادمانی بدر کنند و بخاطر داشته باشند که بقول شما مثل بسیاری از زنان در درون خانواده و جمعهای اجتماعی و توی ماشین و غیره روسری رو کنار بگذارند و دلیلی نداره که به تحمیل سی ساله جمهوری اسلامی تقبل کنیم بلکه برای همیشه میتونیم عملاً به این سبب حکومتی و سرکوب نه بگیریم و از سرمون برداریم.

زنی از ایران

درود بر نماینده زنان آزادی برابریخواه خانم احدی. درود بر انسانیت و زنده باد منصور حکمت. من روز سیزده بدر را به روز علیه جموری اسلامی تبدیل می‌کنم. مرگ بر جمهوری اسلامی.

مردی از آذربایجان

سلام عرض کردم خانم احدی. می‌خواستم صحبت کوتاهی در جواب آن آقای که شاه پرست بودند داشته باشم. در زمان شاه آزادی غیر ممکن بود چراکه يك گورستان آریامهری بود و يك شوره زار و لجنزار بود که از درونش فقط خمینی ها میتونستند بیایند و رهبر شوند و دیدیم که شدند، و ما بخاطر آزادی جنگیدیم اما الان بعقیده من مردم بخاطر مبارزه شان خیلی بیشتر از دوره شاه

آزادی بجنگ آورده اند و میتونن با این رژیم دریافتند و بجنگند. الان مردم زندگیشان را به عرصه های مبارزه تبدیل کرده اند و چهارشنبه روز سیاسی بود و ایام عید نورز روزهای سیاسی این مردم هستند و در مورد سیزده بدر هم که صحبت می‌کنید می‌بینیم که مردم میان در مورد آزادی زن و شادی کردن بکوری چشم این رژیم صحبت می‌کنند، و همه اینها نشون میدن که مردم نسبت به زمان شاه خیلی پیشرفت کرده اند و دنبال شاه و ولیعهد و جنبش ما هستیم و تکرار گذشته نیستند بلکه روی بجلو و زندگی و نظام آزاد و برابر و مرفه چشم دوخته اند و تلاش می‌کنند. دوره شاه برای مردم جز خفقان و گورستان آریامهری هیچ چی نبود. مردم امروز دنبال هويت انسانی هستند و حامی آرمانهای همین حزب کمونیست کارگری هستند که نماینده کامل حرفهای دل مردم است و نماینده کامل زنان و کودکان و آرمانهای انسانیت هست و همین هم هست که این رژیم و طرفداران رژیم گذشته می‌خواهند برنامه های شما را شانتاژ کنند. من از همه مردم می‌خوم که عضو حزب کمونیست کارگری شوند و بیان شعار نویسی کنند و از طریق این کانال متحد شوند و این رژیم را سرنگون کنند. این رژیم بخاطر مبارزات سی ساله همین مردم بویژه همین حزب خیلی خیلی ضعیف شده و هزاران بار ضعیفتر از رژیم شاه شده، و با متشکل شدن مردم دور همین حزب هم این کاملاً ممکن هست که رژیم را سریعاً بزیر بکشیم.

رژیم شاه با اونهمه ساواک و خفقان و نظام گورستانی نتونست در مقابل انقلاب مردم دوام بیاره در صورتی که مردم هنوز این حزب را هم نداشتند ولی اینبار نه تنها خود مردم بسیار آگاهتر و قویتر شده اند بلکه حزب رهبری کننده انقلاب را دارند آگاهیشان بسیار رشد کرده و چنین کانال تلویزیونی دارند و میتوانند از طریق همین کانال حرفهایشان را بزنند و با اهداف و برنامه روشن همین حزب همبسته و متحد شوند. آدم الان تعجب می‌کند که از دور افتاده ترین روستاها و شهرها زنگ می‌زنند و بعنوان عضو حزب کمونیست کارگری در همین کانال جدید صحبت می‌کنند و صدایشان را بگوش همه مردم سراسر ایران

از صفحه ۱۰ صدای مردم در کانال جدید ...

میرسانند و ما دهها هزار نفر از این اعضای مردمی در ایران داریم. میخوام بگم اگر مردم بیان عضو حزب شوند اونوقت این رژیم خیلی سریع سرنگون میشه و ما فقط تشکل نداریم و اون ارتش مون را هنوز نداریم که در يك روز مثلا همین ماه مه بیاییم توی خیابون اونوقت میبینیم که این رژیم سرنگون میشه چرا که این رژیم يك صدم قدرت شاه را هم نداره و بسیار ترسو هست و بزودی با اتحاد و تشکل ما میافتد. این رژیم از سیزده بدر میتترسه، از چهارشنبه سوری میتترسه، از روز عید میتترسه، از زن بی حجاب میتترسه و از كودك میتترسه، از چند دانشجو که دور همدن میتترسه و از اعتصاب کارگر و معلم میتترسه و با شلاق زدن هم میبینیم که همین ترش رو نشون میده و همه اینها نشون میده که ای رژیم بسیار ضعیفه و بعقیده من انداختنش خیلی راحتی و فقط نیاز به این داره که به حزب

بپیوندیم و با اتحاد و تشکل بنذاریمش. مردی از ایرانی

سلام خانم احدی. من از کرمانشاه زنگ میزنم و میخوام بگم که خیلی مسلم هست که مردم شور و شوق زیادی دارند و مثل چهارشنبه سوری میخوان بیان بیرون و فردا را علیه رژیم جشن بگیرند و يك توده‌نی بزند به این جمهوری اسلامی. مردی از کرمانشاه

سلام. خواستم بگم که این رژیم کثیف را تا کی باید تحمل کنیم؟ بامید خدا و انشالله فردا ما هم میریم بیرون و جشن میگیریم. مردی از اهواز

سلام خانم احدی. خواستم از برنامه خوبتون تشکر کنم و بگم که ما از این رژیم خوشمون نمیاد. فردا امیدواریم که در شهر ما هم مردم

شلوغ کنند و شادی کنند. من فقط همین شبکه را نگاه میکنم و همه برنامه های شما رو هم میبینم. زنی از کرج

سلام و تشکر میکنم از این برنامه خوبتون. من از کرج زنگ میزنم. من از این رژیم اصلا خوشم نیامد و سی سال است که اینها حکومت میکنند و من از همون اول از این آخوندها بدم اومده و آدمهای بدبختی مثل من که از این رژیم خوششان نیامد زیاده. نه تنها من خودم بدبختم بلکه خیلی ها هم بدبختند. من ۲۴ سال کار کردم و وقتی بیکارم کردند به هر ارگانی که رفتم کسی جواب منو نداد، از رفسنجانی بگیر از خامنه ای بگیر از همه سران رژیم بگیر هیچکس جوابم رو نداد. بخدا همه مون بریدیم دیگه خانم احدی. اینها از سگ هم کثیفترند. اینها از طایفه امرو و عاصند، اینها انسان نیستند. اگر شما میخواید با خانم منم صحبت کنید چشم بفرمایید صحبت کنید. من تشکر میکنم و امیدوارم خداوند

کمک کنه و این رژیم برگردد. منم بشما سلام دارم. ما از این رژیم بخدا خوشمون نمیاد. مرگ بر این آخوندها و خدا لعنتشون کنه. شوهرم با بدبختی ۲۴ سال کارکرد و آخرش همه کارگران را انداختند بیرون و اصلا هیچ جوابی هم به ما نمیدن خدا شاهده، حالا ما باید چکار کنیم؟ هر دوی ما الان بیکاریم و توی خونه ایم، پس از کجا بیاریم بخوریم و تکلیف ما چیه؟ آخه یه روز دو روز که نیست، چه جور باید زندگی کنیم؟ خدا لعنتشون کنه. ما از برنامه های شما خیلی خوشمون میاد خیلی خیلی. الان هر کسی که میشناسیم مثل ما بیکار نشسته توی خونه خداشاهده. مرسی از شما و خدا اینها رو لعنتشون کنه. زن و شوهری از کرج

الو سلام. من يك جوانم که از دست اینها خسته شدم و نمیدونم که واقعا باید چکار کنم. از برنامه های خوبتون تشکر میکنم و واقعا برنامه

هاتون خیلی جالبه. فردا اگر خدا بخواد انشالله جشن خیلی بزرگی میگیریم. پسر جوانی از ایران

خدمت تون سلام عرض میکنم. من از ایران تماس میگیرم. ما امروز رفتیم بیرون که بقول معروف پیش درامدی باشه برای فردا. حدودا بیست خانواده اومده بودند و ما تونستیم پنج خانواده را جمع کنیم و يك جمع بزرگی ساختیم و اصلا يك شادی بزرگی شد و بیشتر دختران و زنانی که اونجا بودن بخاطر اینکه محیط محدودی بود روسری هاشون دیگه چه عرض کنم به تیکه و چند تیکه شده بود و اگر یه روز یا دو رو اینجور جشن و پایکوبی باشه فکر نمیکنم دیگه این روسری طاقت بیاره که سر خانمها بمونه. مردی از ایران*

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

از صفحه ۴ نشست گروه بیست ...

اقتصاد تازه و ارزشهای تازه ای نیاز داریم" همه میدانند که حقیقت دارد. اما همه در عین حال میدانند که این سرمایه داری و سرمایه داران و مقاماتشان نیستند که میتوانند به این نیاز پایه ای و اساسی پاسخ دهند. بلکه نیروهای ضد سرمایه داری و ضد استثمار و ضد نظام متکی بر دروغ و ریا و ستم و استثمارند که پاسخ را دارند و خواهند داد. اما اجلاس "سران" از

بروشنی میتوان نشان داد. اما اگر آلترناتیو دیگری بطور بلاواسطه در چشم انداز وجود ندارد ظاهرا بهتر است با دروغ زندگی کرد و به آینده امید کاذب بست یا به آینده ای کاذب امید بست. این راهی است که سرمایه میتواند به سود اندوزی خود ادامه دهد. احساس داشتن قدرت خرید از جانب میلیونها نفر از مردمی که به فقری عمیق کشیده شده اند



پرداخت و ارائه همین دروغ بزرگ هم عاجز است. چندین تریلیون دلار تا کنون برای نجات موسسات مالی بحران زده تزریق کرده اند تا به مشتریان بگویند به اینها اعتماد کنید. این اجلاس نیز قرار است ۲ تریلیون دلار دیگر خرج کسب اعتماد کاذب نماید. اما اجلاس سران در عین حال اجلاس رقباست. اجلاس نیروهایی است که طی سالها در گوشه و

راه حلی است که گروه بیست دنبال میکند. وام بدهید! وام بگیرید. و بخرید و بفروشید! این پایه برون رفت سرمایه داری از بحران کنونی تعریف شده است. اما حتی اگر چنین واقعیتی هم اتفاق بیفتد که به سادگی امکان پذیر نیست، این به معنای آنست که بیماری مزمن نظام بر سر جای خود باقی است. آنچه نیوزویک نوشته است که "ما به سیستم تازه و



یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.international.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

در حاشیه رویدادها

محمد رضا پویا



اجلاس افغانستان و طالبان "خوش خیم"

روز سه شنبه سی و یکم مارس اجلاس بین‌المللی در مورد آینده افغانستان به دعوت و پیشنهاد وزیر خارجه آمریکا در هلند برگزار گردید. در این اجلاس بیش از هشتاد و دو کشور و سازمان‌های بین‌المللی



شرکت نمودند. این نشست دستور کار جدیدی نداشت. حتی در سطح فرمال و عرف جاری دیپلماسی هیچ‌کدام از دول شرکت‌کننده امر جدیدی را متعهد نشدند که این امر شامل کمک‌های مالی جدید هم می‌شود. بحث‌های اجلاس همان‌هایی بود که در چند سال اخیر بکرات از جانب دول غربی مطرح شده است. گفتند جنگ نظامی با القاعده و تروریسم اسلامی ادامه خواهد یافت، گفتند اقتصاد افغانستان ورشکسته است، گفتند ناتو مسئولیت‌های بیشتری باید در افغانستان به عهده بگیرد، ...، اینها را سال‌هاست که می‌گویند. برگزارکنندگان اجلاس خود مسبب این اوضاع‌اند. با این اوصاف، اجلاس افغانستان چرا برگزار گردید؟

۱- علیرغم عملیات‌های بی‌وقفه نظامی ناتو، جنگ در افغانستان مغلوبه نشد. ادامه

شکست پروژه نظم نوین و بحران عمیق اقتصادی موجب گردید پرده دوم سیاست‌های غرب یعنی "سازش" و "تعامل" با بخشی از نیروهای اسلامی زودتر از موعد کلید بخورد. پیام نوروزی اوپاما به خامنه‌ای، دعوت از رژیم اسلامی برای شرکت در اجلاس افغانستان و اعلام ظهور بخش "خوش خیم" طالبان توسط کوزای و هیلاری کلینتون که برای شریک شدن در قدرت می‌توانند به افغانستان بازگردند، و جوهری از سیاست سازش غرب با اسلام سیاسی را بنمایش می‌گذارد. اجلاس افغانستان تلاش داشت همین تمایل را نمایندگی نماید. در نهایت غرب تمایل دارد در چهارچوب سیاست‌های خود در خاورمیانه اسلام سیاسی "ضد عفونی" شده را کماکان به عنوان یکی از بازیگران اصلی در صحنه نگه دارد. آنها ظرفیتهای ضد کمونیستی و جنایتکارانه اسلامیون در تقابل با مردم این منطقه را بخوبی می‌شناسند و به آن نیاز دارند.

افغانستان امروز به نقطه اتصال نیروهای اسلامی در عراق و پاکستان تبدیل شده است. از جانب دیگر جمهوری اسلامی با گشاده دستی‌های خود، امکان دخالت بیشتری را در این منطقه بدست آورده است. تمرکز کنونی غرب بر روی افغانستان هم به همین علت است. آنها امیدوارند که با طرح سازش با نیروهای طالبان و دادن امتیازاتی به جمهوری اسلامی، در وهله اول پشت جبهه نیروهای اسلامی در پاکستان را خالی نمایند و از رهگذر بده و بستان در افغانستان، به پروسه نزدیک شدن به رژیم اسلامی تحریک بیشتری ببخشند.

۲- غرب می‌تواند در افغانستان و پاکستان و عراق دست به هر مانوری بزند. میتواند طالبان را بیاورد و کوزای را ببرد، می‌تواند خود بن لادن را هم صندلی امیر عبدالله در عربستان کند و "اصحاب کهف" را به صدارت و وزارت در پاکستان برساند، اما انجام این پروسه در ایران یکسره ناممکن است. بدین علت که

اسلام سیاسی در ایران در هیبت رژیم اسلامی خود موضوع سرنگونی است و مردم قصد نابودی اش را دارند. هیچ بخشی از اسلام سیاسی در تحولات آینده ایران شانس برای بقا ندارد. بدین علت که در ایران بر خلاف افغانستان و پاکستان یک حزب کمونیستی کارگری وجود دارد که تحریک سیاسی اش پیشبرد هر نوع پروژه از بالای سر مردم را ناممکن می‌کند.

ضد امریکایی‌گری بخشی از ارکان هویتی و وجودی رژیم اسلامی است. حمایت از تروریسم اسلامی در خاورمیانه برای رژیم اسلامی امری دیپلماتیک نیست که با مذاکره و دیپلماسی از آن دست بکشد، بلکه بخشی از ابزارهای اعمال حاکمیت این رژیم است. کل نهادهای پایه ای جمهوری اسلامی بر اساس استراتژی سهم خواهی در منطقه و تقابل تروریستی با همکاران خود در کمپ مقابل بوجود آمده است. ولی فقیه، سپاه پاسداران، قصاص و سنگسار بر متن این سیاست سیاه و ضد انسانی معنا پیدا میکنند. دست کشیدن و عبور از هر کدام از این مولفه‌ها، بنیانهای جمهوری اسلامی را به رعشه مرگ می‌کشاند. حتی آنجایی که جمهوری اسلامی از امریکا درخواستی دارد برای کسب مطالباتش باید ابتدا خود را "تغییر" دهد. این در را بر روی جمهوری اسلامی بسته است. از همینرو انتهای سیاست مذاکره و سازش امریکا و رژیم اسلامی از هم اکنون روشن است. آنها بسرعت به نقطه صفر باز خواهند گشت. گوشت قربانی افغانستان خدشه ای به این واقعیت وارد نخواهد ساخت. جمهوری اسلامی را فقط باید سرنگون کرد.

خط مرگ

جمهوری اسلامی امسال را سال "اصلاح الگوی مصرف" نامیده است. خامنه‌ای در مشهد گفته است که اصلاح الگوی مصرف دیگر تنها به تجملات و اصراف ربطی ندارد،

بلکه می‌تواند نظام را به خطر بیندازد. جامعه ای که نخوردن، نداشتن و فقر نمادش شده است، صدور فتوای "مصرف نکردن دیگر تنها نشاندهنده عمق ورشکستگی اقتصادی رژیم نیست، بلکه نمایانگر آنست که حیات فیزیکی مردم در ایران با خطر جدی مواجه است. صحبت از خط فقر ارفاق به رژیم اسلامی است، مردم اکنون با خط مرگ روبرو هستند. جنایتکاران اسلامی می‌خواهند "لقمه" نداشته مردم را هم "اصلاح" کنند.

اثرات بحران جهانی دنیای سرمایه داری بر اقتصاد از پیش ورشکسته جمهوری اسلامی آرام آرام هویدا شده است. اما قبل از آن سران رژیم با دزدیهای میلیاردی کل خزانه دولت و بانکها را تخلیه کردند. صنوق ذخیره ارزی که بر طبق برآورد بانک مرکزی رژیم می‌بایست حداقل صد میلیارد دلار ذخیره داشته باشد، تقریباً خالی است. بانکها خالی از پول شده است. تمامی سران اوپاش لباس شخصی‌ها بنام طرح‌های زود بازده صد و هفتاد میلیارد تومان از باتک‌ها وام گرفته‌اند و هیچ‌کدام وام خود را باز پس نداده‌اند. برای اولین بار در تاریخ کشورهای جهان، احمدی نژاد بودجه ای را در مجلس به تصویب رسانده است که پنجاه درصد کسری دارد. این حتی در چهارچوب نظام سرمایه داری یک فاجعه کامل است. در همین شرایط، بودجه جاری نیروهای سرکوب رژیم افزایش یافته است. میلیاردها دلار به حساب شخصی سران گروه‌های تروریستی حماس و حزب الله ریخته‌اند. امسال نه تنها تورم به شکل جهشی افزایش پیدا خواهد کرد، بلکه به علت کسری بودجه، اقتصاد رژیم دچار رکود حاد خواهد شد که اولین پیامد آن اخراج های دسته جمعی است.

شعار "اصلاح الگوی مصرف" رژیم باید بطور شایسته‌ای از جانب مردم پاسخ بگیرد. دیگر در این جامعه بنی بشری توهم ندارد که برای داشتن حتی یک وعده غذایی کافی باید رژیم اسلامی را به زیر کشید. کل ثروت جامعه را به طویله‌های اسلامی برده‌اند و یک فقر سازمانیافته و عمیق را به مردم تحمیل کرده‌اند. امروز برای نابودی خط مرگ و در حفاظت از جان شریف میلیون‌ها انسان، در صف حزب کمونیست کارگری باید رژیم اسلامی را سرنگون کنیم.*